

روا دیده بودند رسیدگی مینمودند پس از آنکه مردم از آنچه در آنها نگاشته آمده بود آگاهی یافتند چنان پنداشتند که امپراتور درین پیروزیه بنکاشتن این دستور چه میدرخسته دوباره از او خوشنود شدند پس از آن امپراتور به انجمنهاییکه از برای رسیدگی کار زیر دستان آمده بود رفته و یکان یکان را رسیدگی نموده و بیع برخی بدیها را برانداخت و بکارهای بازرگانی و هنر از آغاز بیشتر فزایش داده و در نگاه دارای اینها بدرستی فرمان داد و مانند فرمان دهان پروسیا بخودی خود بداد ستم دیدگان و داد خواهان رسیدگی نمودن پرداخت - و فرمان داد هر کس خواسته باشد برای داد خواهی نزد بار او بروه دهند و جلو گیر آنان نشوند - از این روم مردم را خوشنود نمود (فرستادگان - ایلیان) را بمهمانی خواند و هر یک را چنانکه درخور وسزا بود خوشنود نموده آنان را کرامی میداشت پس در کشور خود و کشور دیگران يك نام گردید (باقی دارد)

﴿ قانون نامه جدید شرکت اسلامی ﴾

( عطف با سبق )

( فصل - نهم )

﴿ تعیین رؤسا و امنای اسفهان و طهران و ﴾

( خراسان و تکلیف ایشان )

§ ( ۸۷ ) بر حسب تجویز و تصویب و انتخاب علمای اعلام و رجال عظام و وجوه اکابر و اعیان و حسن کفایت و ثباتی و استحقاق مقرونا بقبوله رئیس کل شرکت اسلامی مرکزی در عهده جناب شمامت نصاب افتخار الحاج حاجی محمد حسین تاجر کازرونی مقرر شد که حسب الریاسه در رتق و تق و انجام کلیه امور شرکت اسلامی اقدام مجدانه فرمایند چنانچه از ابتداء الی حال هم فوق الماده اقدامات فرموده اند •

§ ( ۸۸ ) چون تشبید و قوام و استعکام هر بنا بوجود حصون محکمه و ارکان متقنه و اوتاد اریبه است وکلای شرکت اسلامی مرکزی چنانچه از ابتداء هم بوده اند چهار نفر را مقرر داشتند که روزهای پنجشنبه عصری در مرکز اداره تشریف فرماده بامورات رسیدگی فرمایند •

§ ( ۸۹ ) اسامی وکلای عظام از این قرار است •  
 (۱) جناب مستطاب حاجی میرزا محمد مفکی تاجر اسفهان  
 (۲) جناب مستطاب حاجی محمد جعفر تاجر اسفهان  
 (۳) جناب مستطاب حاجی میرزا اسدالله نقشینه تاجر اسفهان

(۴) جناب مستطاب حاجی محمد کاظم مثقالی تاجر اسفهان

§ ( ۹۰ ) وکلای عظام از جانب تمام شرکاء وکالت دارند هر طور خیر و صلاح ایشان را در امورات شرکت اسلامی دانند بامضای رئیس کل معمول دارند •

§ ( ۹۱ ) مدیر کل شرکت اسلامی بمسئله جناب حاجی میرزا علی نقشینه ادیب التجار است که بموجب صلاح و دستور العمل رؤسای عظام اقدام در امورات اسلامی نمایند •

§ ( ۹۲ ) رؤسا و امنای عظام مطلقا مختاریت نامه دارند در تمام امورات شرکت اسلامی و اجزا و مستخدمین محکوم بحکم ایشان خواهند بود •

§ ( ۹۳ ) شرکت اسلامی در اداره مرکزی مجلس مشورتخانه مخصوص در عصر پنجشنبه منعقد مینمایند که امنای عظام با حضور حضرت رئیس کل دام اقباله حاضر شده مشغول رسیدگی امورات سابق و لاحق بوده باشند •

§ ( ۹۴ ) امنای مجلس مشورتخانه مجبورند حسب الوکاله هفته بیکروز که پنجشنبه عصری باشد در مجلس مذکور حاضر شوند و بمذاکره لازمه و جرح و تعدیل امورات و تعیین تکلیفات پردازند که هیچیک از مطالب اسلامی در عهده تعطیل و تعویق نیاند •

§ ( ۹۵ ) هرگاه مهم عمده رو دهد بادر اساسیه آن مذاکره لازم شود یا بنای جدیدی از قبیل آوردن کارخانجات و غیره شود از وجوه اعظم و اعیان که شرکت عمده هم داشته باشند گاهی در آن مجلس وعده خواهی و حاضر میشوند که باغلبت آراء اقدام در آن شود •

§ ( ۹۶ ) باید هر مجلس را دو روز زودتر از پنجشنبه ملتی اداره رفته مخصوص مطبوع بجهت پاه

آوردی و فلا نوقت بفرستد و هر يك از امانا و وكلا را بطری باشد يك روز قبل از پنجشنبه در جواب رفته اداره اطلاع دهند كه تكلیف معلوم باشد •

§ ( ۹۷ ) هر يك از رؤساء و امنای عظام بمسافرت یا مانى دچار شوند هر كس را نائب مناب خود معین فرمودند با تصویب سایرین و تصدیق رئیس كل منصوب و معنی است والا سایرین با امضای رئیس كل میتوانند دیگر را بجای او نصب نمایند •

§ ( ۹۸ ) دستور العمل روز مشورت را كه امنای عظام میدهند منشی اول اداره در دفتر علیحده یادداشت میباشد كه هنگام اقتضا اجرا شود و مطالب مهمه را امنای عظام و رئیس كل دام اقباله در دفتر امضا میفرمایند •

§ ( ۹۹ ) منشی اول اداره و دفتر دار باید مطالب کلی و وقایع مهمه اداره را كه در ظرف هفته رخ میدهد در همان دفتر با تاریخ یادداشت نموده روز پنجشنبه بنظر امنای عظام رسانیده كسب تكلیف شود و تكالیف را در همان متون ثبت نموده معمول دارند •

§ ( ۱۰۰ ) مجلس مشورتخانه را دو دفتر مخصوص است یکی بجهت وقایع و دستور العمل بموجب بند ( ۹۹ ) كه مسطور شد - و دیگری تاریخ شركت اسلامی و قضایای متفرقه اتفاقیه و مرافعات مردم كه در مجلس مشورت تصفیه میشود با تاریخ و نمره در آن ثبت میشود و اسامی طرفین •

§ ( ۱۰۱ ) امنای مشورتخانه و وكلاى عظام داخله و خارجه باید هر يك دارای سهمی معتابه باشند كه علاقه شخصی هم مزید بر امانت و دیانت ایشان باشد

§ ( ۱۰۲ ) هیچيك از امنای عظام و وكلاى بلاد كه در داخله و خارجه هستند و اجزا از رئیس و رؤس نمیتوانند خارج از تزییات قانونیه اسامیه این شركت مقدسه حمل نمایند یا تصرفی كنند مگر با اجازه اداره مباركه و اقلیت آراء امنای عظام

مركزی •

§ ( ۱۰۳ ) هر گاه میان چهار نفر وكلاى مركزی اختلاف روی نماید جناب رئیس كل طرف اغلیت را امضا خواهند كرد و اگر دو نفر در امری رای دهند و دو نفر دیگر صلاح ندانند به طرف رای جناب

رئیس كل متفق شود بجزی خواهد شد •

§ ( ۱۰۴ ) مهماتيك در ظرف هفته رخ میدهد و تا پنجشنبه و مجلس مفوره و اجتهام وكلا نمویق پذیر نیست و بسامت تعطیل آن اسباب نقصان میشود مثل جواب تكثرافات و معاملات متعارفه و غیره فقط بموجب دستور العمل رئیس كل دام اقباله اجری میشود •

§ ( ۱۰۵ ) وكلايك در هر نقطه از داد و ستد یا رجوع امورات شركت اسلامی هستند حق الزحمت ایشان در خرید و فروش مال التجاره ۱۰۰ و دو صراقی از يكطرف صدیم است و اداره مباركه مركزی نسیه و سلم فروغیرا بوكلا اجازه نمیدهد مطلقاً مگر بوقت ضرورت - سوخت كه در نسیه واقمشود بصدقه آن وكيل است مطلقاً •

§ ( ۱۰۶ ) چون صهران مركزیت همه دارد و محل فروش غالب اتمه شركت اسلامی و اخذ و عطایای حواله جانش در طهران است بتصویب علمای اعلام و رجال نظام و امنای عظام و رئیس كل شركت اسلامی اصفهان و لیاقت و احترام مقرونا بقبوله چنانچه از ابتدا هم بوده اند جناب جلالتماب افتخار الحاج حاجی محمد حسین آقا امین دارالضرب تاجر اصفهانی ریاست كل شعبه شركت اسلامی مقرر شدند و بمحمد آقا هیئت مقدسه اسلامی از اقدامات جهادیه ایشان كمال تشكر دارد •

§ ( ۱۰۷ ) جناب مستطاب نظامت نصاب حاجی میرزا حبیب الله ناظم التجار تاجر كاشانی كه در حسن كفایت معروفیت تامه دارند بوكالت و مباشری كل امورات اسلامی طهران باسقتصواب رئیس كل طهران قرار یافتند چنانچه از ابتداء هم زحمت اسلامی را بحلی تحمل فرموده اند •

§ ( ۱۰۸ ) مدیر و دفتر دار كل در اداره اسلامی طهران جناب مستطاب معارف نصاب آقا میرزا علی اكبر مقرر شدند چنانچه از سابق هم بوده اند و دفتر كل طهران ابوابجمع ایشان است •

§ ( ۱۰۹ ) امنای طهران از جانب امنای اصفهان و شركاء وكالت دارند كه با امضای رئیس كل هر امورات طهران هر طور صلاح دانند و سوابق

ایران فرمایشات بلخ فرمودند که در صدد تشکیل شرکت از برای بایر کردن کارخانجات و استخراج مسادن و درست نمودن راه حومه و غیره و طلب استمدای امتیاز از دولت علیه بر آید چنانچه خطای اعلیحضرت شهبازی که حین حرکت از تبریز بهمدان عودت از فرنگستان خطاب به تجار انشاء فرمودند و در روزنامه مقدس درج یوه شاهد بر این مقال است و هم به اولیای دولت ابد مدت اوامر ائیده صادر شده که در اعطای امتیاز به تجار داخله و تسیله امور آنها نهایت جانبداری و توجه را مبذول دارند اما افسوس که مطلقاً در این مدت اقدامی از طرف تجار و سرمایه داران ایران نشد و در سد تحصیل امتیازی بر نیامده و اگر اقدامی هم نموده مثلاً شرکت عمومی امتعه ایران بود که بعد از جمع آوری تقوای معادل دو کورور تومان بمصرف ترویج و مبادله مالالتجاره ایران و فرنگستان و روسیه درآمد واقعاً رفع اتهام از تجار قدیم که بدون سرمایه یا با مکنت جزئی مشغول این کار بودند شد بخلاف متولین و سرمایه داران فرنگستان که پیوسته متوجه کار اند بمجرد بی بردن به نینات مقدسه اعلیحضرت اقدس هابونی در سدد تحصیل امتیاز بر آمدند از آنجمله (مستردی آرسی) که یکی از متولین انگلیسی و ساکن شهر لندن است در طلب امتیاز معادن نفت بر آمده و بر حسب اراده سنیه ملوکانه امتیاز انکشاف و استخراج معادن حدود جنوبی ایران به مشارالیه واگذار کردید - و از طرف (مستردی آرسی) صاحب امتیاز (مستر رینولس) مهندس باشی با اجراء عامیه خود مدت ده ماه است وارد ایران کردید معادن اهواز و شوشتر و کردستان را دیده به بغداد آمده اسباب و آلات و لوازم ابتکار مدت سه چهار ماه است اتصالاً از لندن باین شهر رسیده و میرسد و بواسطه بدی و نامواری طریق بهزاد زحمت آنها را با همراه به قصر شیرین میبرند و امروز مهندس مزبور با اجزاء خود روانه (قصر) شده که بدو در آنجا شروع کنند و عنقریب مشغول به عملیات شده فایده این کار آشکار خواهد کردید - و مزید بر ندامت و تأسف تجار داخله خواهد شد که چرا خود شان در

مجهول دارند و وقایع را هر هفته مکتوبی اگر مهم است تکراری با اداره مرکزی اطلاع دهند \* § (۱۱۰) راپورت هفتگی از قضایای اسلامی و سواد روزنامه طابق العمل بالعمل بمعهده مدیر است که هر هفته باصفهان برساند \*

§ (۱۱۱) اجزای اسلامی طهران باجزای اصفهان بموجب فصل هشتم مساوی میباشند \* § (۱۱۲) اگرچه رؤسای عظام و وکلا و امنای نظام نظر بر مایت شرکاء و رفاه فقرا و ضعفا در ایندت از بابت حق الزحمت ام از حق الریاسه یا حق الجساله و الوکاله چیزی منظور نداشته و الحق شان ایشانهم اجله از اینطلب بوده و میباید بملاوه مبالغی زیاد در سال چه اصفهان و چه طهران متعادل مخارج فوق الماده اسلامی شده و از کیسه قنوت و حیت و اسلامیت و نوع پرستی خودشان داده اند خاصه دو رئیس محترم متفخم که اسباب روسفیدی ملت و شکوه دولت شده اند ولی بعد از این سهمی از منافع باسم حضرات در خرج دفتر نوشته میشود \*

§ (۱۱۳) هرگاه خواستند از مناعت فطری و قنوت جبلی بشرکاء اینار نمایند در ضلع منافع یاد داشت خواهد شد و اگر خواستند بذل به فقرا نمایند خود دانند \* (باقی دارد)

مکتوب در تحقیق امتیاز معادن نفت (حدود جنوبی ایران)

بعد از مدتی که چشم از لذت قرائت جریدم شریفه حبلالین محروم و از آروسی افسرده و دلتنگ بود در این اوقات که عنان تقدیر به بغداد کشید در سدد بدست آوردن مقصود افتاده تا اینکه نمره مورخه چهارم محرم از حسن اتفاق زیارت عد خیر نگار محترم جبلالمتین شرحی از امتیاز معادن نفت حدود جنوبی مملکت ایران بعرض رسانیده بنده هم لازم بانسته که تشریح امر را باندازه تحقیق خود عرضه دارد تا مزید بر اطلاع قارئین روزنامه مقدس کرده و دولت و رجال دولت را درین گونه مراتب ملت ملزم قرار نهد

از ابتدای جلوس اعلیحضرت قدر قدرت اقدس در شهبازی روحانفاده چنانکه شایدهاید به تجار و متولین

سه استعدای این امتیاز بر نیلنده قناعت بهمان تجارت که دلالی اجناس فرنگان با حد نمودند توضیحاً - آنکه از روی اطلاعات کافی خاطر شریف را مستحضر میدارد که اغلب اشخاص با علم و بلیک این امتیاز را سبب ترقی ثروت ملکی ایران دانسته و میدانند

اولیای دولت قاهره در صحت و درستی شرایط این امتیاز نهایت غور و دقت را بکار برده و درجه شرایط فایده دولت و ملت را بخوبی ملاحظه فرموده اند و از فراریکه در لندن حساب فایده این عمل را از روی علم کرده اند بعد از استخراج و تصفیه نفت هر صدی شصت و پنج درآمد باید بدولت و ملت ایران خواهد شد

مدت این امتیاز شصت سال است - تمام مخارج و مصارف انکشاف و استخراج از هر قبیل بعهده صاحب امتیاز است و پس از افضاء مدت (کنتراکت) منبوره جمله آلات و ادوات مجاناً و بلا عوض تعلق بدولت علیه خواهد گرفت حصه و فایده دولت تقریباً هالطورها است که نکاشته و هر روزنامه مقدس درج فرموده اید

یکی از جمله شرایط خوب این امتیاز آنست که باصتتای اجزای علمیه از قبیل مدیر و مباشر و همای تمام اجزاء و مهلهجات باید رعیت اعلی حضرت هاپونی باشند جناب . . . . . شیخ محمد حسن (سرجانی) ملقب به شیخ الملک که بدانش و خیر خواهی دولت و ملت معروف و مقالات ممزی الیه را مکرراً در جراید فرنگ و فارسی دیده شده برای اجرای شرایط این امتیاز و حفظ حقوق ملت انتخاب و مأمور کرده اند

و اینکه خبر نکار جلال التین نکاشته که چند نفر از هندی و افغانی در این اداره داخل خدمت نموده اند صحیح است (مستتر کوردس) مهندس که برای گسیق و اندازه گرفتن راه لوله ها که باید از قصر تا باهواز کشیده شود حین ورود به بغداد بواسطه عدم بصیرت چند نفر هندی و عرب را که زبان انگلیسی و فارسی میدانستند داخل در خدمت اداره خود کرده بودند قصر شیرین چون شیخ الملک آن هیئت

را مشاهده کرد - مهندس مزبور را بشرايط امتیاز آگاه و در حدود جرج و تبدیل برآمده متنی و محاسب و پیشخدمت و نظیره را از مکرمان شاه طلب نموده اجنبیا را جواب گفتند خلاصه فواید این امتیاز برای ملک و ملت و دولت ایران بسیار است

(اولاً) بلیک نملک محروسه امروز مقتضی آنست که روابط و علاقه تجارتی انگلیس از جنوبی ایران کاشته نشده بله مستحکم گردد (ثانیاً) عنقریب چند هزار نفر مردمان بیکار و بی نان ایران داخل در این اداره مشغول کار گردیده قانی بکف خواهند آورد و کتر مهاجره بخارجیه خواهند کرد

(ثالثاً) رفع احتیاج بزرگی از ایران شده محتاج بدادن طلا و نقره خود بخارجیه و آوردن نفت از روسیه و آمریکا و . . . و نخواهند شد

چیزی که همت ساکنین تمام این نقاط که نفت در آنجا کشف شده همه کرد - و لرووحنی و از فواید این کار بی خبرند و برای پیشرفت این عمل همه وقت شخصی مثل شیخ الملک با عقل و تدبیر لازم است - افسوس که سه ماه است در قصر مشارالیه بمرض مزمن مبتلا شده و اطبای بغداد بعد از کنکاش مصالحت دیدند بفرنگ رفته بمعالجه پردازد این اوقات طازم و روانه لندن گردید امیداست عنقریب قلع و قمع ماده گردیده مراجعت بوطن نموده خدمت به هموطنان کنند یکنفر دکتر پاریسی بافاتی یکی از مهندسین بایران آمده پس از مراجعت آن شخص مهندس دکتر مشارالیه بر حسب خواهش صاحب امتیاز که در لندن است در اداره ماند که اجزاء را محافظت میکند و ساکنین قصر شیرین را مجاناً معالجه نماید

چهارم شهر ربيع الاول (۱۳۲۰)

(احمد بروجرودی)

بفارسستان

وقایع نکار جلال التین مینویسد - جناب صدیق الملک حسب الامر شنبه هشتم شهر صفر المظفر عزیمت به طهران نمود - فیروز علی محمد خان سرتیب کاشانی تائب اول و کالت نیاسی دولت علیه حسب الامر وزارت چلیچ

امور خارجه و قنصلويپ جناب مستطاب انظم معاون الدوله  
وزير مختار دولت عليه در دربارهاي ممالك خمسة  
بالكان بآفالت امور وكالت سياسي مقرر كردهد ميرزا  
علي بمان از ترتيب شدگان اين عصر جديد و بوطن  
پلاسي مشهور است

شمه از حالات تاريخي مسلمانان مجمع الجزائر

(عقاب باسبقي)

از آنچه ذكر شد معلوم كرديد و قرين قياس هم  
مياشد كه تجار عرب بعضي از بنادر جزائر ميلي را  
تجارت گاه خود قراردادده بودند. چنانچه هر زمانه سلف  
بعضي مقامات ديكر را نيز در ممالك دور و دراز تجار گاه  
خود مقرر ميكردند. ولي از روي فن جغرافيا قبل از  
نهد عيسوي در اين جزائر نشاني از عربان نيست  
در تواريخ چين سنه (۷۱۶) ميلادي ذكر  
يكي از حكام عرب را كرده كه از عنوان او ظاهر  
ميشود كه در مغرب ساحل (سمارا) مستمرات  
مخصوص عربان قائم نموده آن حاكيكه ذكرش در تاريخ  
چين آمده است شيخ و سردار و رئيس اين مستمرات  
بوده. بهر صورت آنچه ظاهر ميشود مسلمانان آن  
جزائر شافعي المذهب اند و عده قليلي هم مذهب شيعة  
دارند چنانچه در چهار صد و كثرى قبل كه (مستروم)  
ار فرانس سياحت اين جزائر وقتي فكر مسلمانان را  
مينمايد و آنها را شافعي و شيعة گفته كه در محرم ماتم  
دارند. در جنوب هند نيز بعضي از مسلمانان مجمع  
الجزائر بجهت اشاعه دين مقدس اسلام آمده بودند و  
تلقين اسلام را بطريق شافعي نمودند حق درين زمان  
هم در سواحل (مليبار) و (كوردمندي) غالب  
مسلمانان شافعي المذهب اند زمانيكه (ابن بطوطه)  
سياحت اين جزائر آمده بود چنانچه ذكرش سبقت يافت  
نامه مسلمانان آن ممالك مذهب شافعي را پيرو بودند  
اين امر خود قرينه است بجهت استلباط دخول اسلام  
درين جزائر بذريعه عربان چه با اينكه قالب مسلمانان  
حنفي المذهب اند آن مقامات تماماً شافعي اند پس ميتوان  
تصديق كرد كه اسلام از سواحل (مليبار) درين جزائر  
رسيده و چون مسلمانان ساحل مليبار پيشتر شافعي اند  
آنها نيز مذهب شافعي اختيار نموده اند آنچه ظاهر است  
از تواريخ در بنادر ساحل (مليبار) و (كوردمندي)

غالب مسلمانان شافعي المذهب اند بنسبها ميكويند مذهب  
شيعة كه در جاوه و سمارا رسيده از راه هندوستان  
آمده بقول ابن بطوطه سلطان اين نواح را با پادشاه  
دهلي روابط و تعلقات دوستانه است و اين پادشاه  
خدا پرست بسياري از فقهاي عجمي لسل را كه زليد  
الوصف عزيز و سكرامى ميعمود جمع نموده ابن  
بطوطه در سياحت نامه خرد چين مينويسد

(مكتب نايب صاحب البحراالى السلطان فرقه  
بقدمى نخرج امير دولته بلقاني و القاضي الشريفت  
سيد امير الشيرازي و تاج الدين الاسفهانى و منهم من  
الفقهاء فخر جو قذالك و جاؤ بغرس من مراكب السلطان  
و افراس سواه فركت و ركب اصحابى و دخلنا الى  
حضرة السلطان و هى مدينة (سمطرة) بضم (السين) المهمة  
والميم و سكون الطاء و فتح الراء) مدينة حسنة كبيرة  
بواسطة روابط تجارتي بين امارت هاي اسلامي و جزائر  
ميلي زمانه قديم تعلقات تجارتي موجود بوده و هر  
بندريكه تجارتي آن فوقيت داشته است در آنجا بكثرت  
اجتماع مينمودند و بنياد مذهب خود را بوسيله تجارتي  
حكيم مى نهادند باز ابن بطوطه مينويسد

(الماسكن في بستان السلطان جاء الامير دولته  
بجاريين و خادمين و قال لي يقول لك السلطان هذه  
على قدرنا لاطى قدر السلطان محمد - ثم سار في موضع  
آخر .. دخلت الى السلطان فوجدت القاضي سيد امير  
والطلبة عن يمينه و شماله فصاخني و سلمت عليه و  
اجلسني عن يساره و سألني عن السلطان محمد و عن اسفاري  
درين جزائر موجد اشاعه اسلام چنانچه از  
تواريخ قديم هم ثابت است تجار عرب و مسلمانان  
هند بوده اند مقاماتي كه موضوع براي تجارتي بود آباد  
مينموده اجتماع ميكردند و با باشندگان آنجا را بطه  
پيدا کرده زن از آنها ميخواستند باین اصول جهات  
اسلاميان قائم مى شد آنچه ممكن بود در ترقى اسلام  
سعي مينمودند حالا ما مختصر از حالات دعوت اسلاميه را  
در مجمع الجزائر (ميلي) كه بلباس تجارتي اشاعه  
دين مقدس اسلام مينمودند ذكر ميكويم اين عنوان  
چند امر را ظاهر ميدارد

يكي آنكه جاگهگاني تجار اسلامي درباره اشاعت

اسلام ظاهر ميشود

(موم) آنکه ازین سزایب کلام میگردند که اسلام  
 یزود و غیره است و نظیر آن میگردند و نیز مگر  
 (سوم) شاید اسباب غیرین مسلمانان علیه نیز بشود  
 اندکی در دعوت دین مقدس خود اقدام نمایند این عنوانات  
 تاریخی ظاهر میگوید که هجوم اقوام و ملکی اجنبیه بطرف  
 اسلام با مظلومیت و مصالحت و رضا و رغبت و توفیق  
 عطیه بوده است

دفاع اسلام با اولاً در تعلیم زبان آنها بگویندند و  
 بسیاری به رسوم آنها عمل نموده دستهای آنها را بشکاف  
 آورده برهنی در خزیدن قلام سی بلیغ میباشند باین  
 اصول اقتدار و جلالیت شخص جلوه راح نگاه داشته  
 کوشش میگردند که با اعلی مرتبه مردم آنکس مخالفت  
 کرده آنها را دعوت کنند و در طلب امور همراهی بآنها  
 نمایند سلوک و دوستی با طایفه را فرض منصفی خود  
 میدانستند نهایت اتحاد را با مسلمانان آنکس ظاهر میداشتند  
 بیرونی بود خودها را در آنکس دارای امتیاز میگردند  
 ولو به ملازمت حکومت بود ازین روقوت آنها متدرجاً  
 زیاد می شد و در باطن با آنها اتفاق پیدا کرده

کارهای خود را از پیش میبردند و بواسطه ثروت و  
 تمول کم کم بنای ریاست و حکومت و امارتی میبهند  
 و غالب در ایام شدائد بکار اهالی آن مملکت آمده  
 مردمان را بتالیف قلوب میگردند در بدو اسلام بهر  
 جزائمی میان شرق و بزرگان معروف بود که اگر روز  
 صفتی بر ما رویدهد فلان دوست من که مسلمان است  
 بکار من خواهد آمد - چون مسلمانان در امور چند  
 بدرد بسیاری از بزرگان آمده بودند حتی از حمایه  
 جمع الجزائر را رای بر این بود که بجهت ایام صفتی باید  
 بایی از مسلمانان دوستی قائم نمود که در ایام شدائد  
 بکار آیند [ باقی دارد ]

### اسرای یوز در هند

حکومت هند اسراییکه از ممالک غیر یوز هستند  
 و در جنگ افریقا مسکرفتا شده آزاد میدیاید مشروط بر  
 آنکه در جنوب افریقا نبوند و از خرج خود بوطن  
 خویش باز گردند - در آلمان دفتر اطایه بلژ نموده  
 که مصارف اسرای آلمانی را از آن وجه داده آنها را  
 باوطلان خود برسانند

### مسکو در روسیه

#### خانه تجارتی (آ. منی کتی) و کپانی

- § در شهر مسکو در میدان (گروزینسکایا پلشاد) در خانه (کالینی نا.)
- § همه امتعه ذیل بقدر کفاف حاضر و موجود است
- § کاش جیر و چکمه های جیر با انواع و اقسام
- § جیر برای چرخهای کالسکه و در شکر و دو چرخه های معمولی و دو چرخه بخار (مار)
- § بالا پوش ها و پالتوهای جیری برای بارش انواع اقسام
- § پارچه پشمی و پنبه نمزوج بچیر که رطوبت بآنها اثر نمی کنند انواع و اقسام
- § اشیاء جیر معموله اطبا و دکترها و مریض خانه ها
- § اسباب بازی جیری از قبیل کوی ها و قچیلها و غیره
- § ملزومات ماشین آلات از جیر انواع و اقسام
- § جیر اصل (پارا کرمی) کیلاستیک و حکفا روغن جیر با انواع رنگها - و واکی برقی و شفاف کننده ارسی ها
- و حکفا سریشم چنه چسپاندن اشیاء جیری از کفش و کاش و پارچه و جیرهای دور دو چرخه و غیره
- § خانه تجارتی مذکوره قبول می کند فرمایش انواع اشیاء از جیر و کیلاستیک
- این خانه تجارتی اشیاء فوق الذکر را از خانه های تجارتی دیگر سوی (۲۱) ال (۲۵) ارژان توپفروشند



کارخانہ عطریات متعلق بخانہ تجارتی

س - ای - چیل و تسکی

دو شهر مسکو در کوچہ نیکاسکی

این خانہ تجارتی عطریات و صابون های ذیل به خریداران محترم معرفی مینماید بهترین صابون برای بزرگ موسوم به ( یولتی ) جبهه نرمی و سفید کردن پوست

همچنین عطریات ( روری Reverie ) از صابون - و عطرها - و پودر - و ادکلن سکه در استمرار و لطافت بو بی مانند است

همچنین عطریات ( پارفنی Parphenis )

نوع عطر معطر با دوام اعلا صابون - پودر -

ادکلن

No. 101617.

### علت کجلی

حکیمی در باب کجلی مثالی آورده و سؤالی نموده که چرا زنان مانند مردان کجلی نمی شوند و اگر هم بشوند در مقابله مردان کمتر اند - حکیم مومی الیه خود در جواب سؤال خویش میگوید که چون زنان کلاه بر سر نمی گذارند و هماره بخارات از سرشان صعود میکنند کمتر کجلی میشوند مثال این را هم در اقوام وحشی آورده که کلاه بر سر نمی گذارند و گاهی کجلی نمیشوند (بمقیده ما علت کجلی این نیست ولی میتوان گفت سبب زیاد و کمی این مرض بعود)

### حکومت جدید بوئر

روژ شلبه در (پریتوریا) بحضور جمعی از عماید و رجال محترم شهر فرمان دولت انگلیس را نسبت به حکومت مستعمرات جدید خوانده (لارد ملتر) بعد از آن فرمانیرا قرائت نمود سکه مشارالیه حاکم اعلی و بر عهده های دیگر نیز مقرر است - پس از آن علی الرسم حلف نمود و وزرا و اجزای حکومت و دارالهورای ملی را نیز حلف داید (بستر بودسن) مستوفی مستعمرات

مقرر شد و مستر (پی دنسکن) وزیر خزانه مستعمرات پذیرفته آمد مردورا حلف دادند بعد از آن صدا به (هورا) که علامت مسرت و رضایت از حکومت جدید است بلند نمودند

### اخبارات خارجه

داکتران آلمانی بحکومت متبوعه خود عرضداشتی پیش نموده اند که نش های اموات طاعون و وبای هیضه را (بسوزانند این قانون و قاعده در آن ممالکی صومیت حاصل تواند نمود که مسلمانان آباد نباشد)

در صوبه یون (چین) جمعی از تجار شرکتی نموده موسوم به (اینکلوفرنج کمپنی) ۶۰ مادن را از دولت چین تا قسمت سال اجاره نموده اند

در (ناروی) قانونی جاری شده که هر دختری جوراب بافی و طباشی نداند کسی او را در تزویج و نکاح خود بیرون نیارد

برای مصیبت زدگان جزیره مارتینیک در اسلامبول دفتر اطاعه باز شده علاوه بر آنچه شخص سلطان مرحمت نموده ۷ هزار و ۳ صد و چهار فرنک جمع نموده اند بجهت تعمیر مسجد تازه در (اسکندرونه) اعلیحضرت سلطان یک صد و هشتاد و چهار هزار غروش عنایت فرموده و نام این مسجد را جامع حمیدیه خواهند گذارد

در تعلیم گاه اینام (طرابلس) غریب نه دختر بجهت قالبچه بافی و هفده طفل برای تعلیم ابریشم بافی مشغول اند

در مسجدی که در شهر (مقام) بود برقی اقتضاه ۱۷ نفر را هلاک نموده است

برای رفع ضرورت ذارعین بنک جدیدی ب سرمایه دو ملیون و دوست هزار لیرا در انگلستان قائم خواهد شد

در (سنگاپور) اطاعه که بجهت راه آهن حجاز جمع شده بود تماماً را با حساب و دفتر باسلامبول فرستادند در صوبه یمن (امام حمیدالدین) علم بشاوت بلند نموده و از اطاعت سلطانی سر پیچیده است

در صکیپ قانونی نظام و قوانین دولت انگلیس منظور نغده است

از اخبارات لندن ظاهر می شود که لارد سالسبری

از عهده خود سبکدوشی اختیار خواهد نمود

◀ تأسف بلکه هزار اصف ▶

◀ این مأم سخت است که گویند جوان مرد ▶

جناب جلالت مآب آقا میرزا علیخان فرزند دلیند حضرت مستطاب آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دام اجله که تربیت شده و آراسته و متصف بصفت دولت خواهی و وطن پروری و لایق همه کونه خدمات ملت و دولت و دارای همه قسم لیاقت و قابلیت بود هر رقاب اعلیحضرت اقدس همایونی مازم فرنگستان شد درباد کوبه مریض و حسب الحکم شاهانه برای علاج او را روانه پاریس نمودند بمصدق اذاجاه اجلهم لایستقدمون ساعة ولا يتأخرون) علاج بی سود و داعی حق را لیک اجابت نمود الحق داغ این جوان بر پدر بزرگوار و برادر عالیقدرش جناب مستطاب اجل آقای مشیرالملک وزیر مختار دولت علیه در پترزبورخ و جناب جلالت مآب آقای صفاءالملک مستشار سفارت کبرای اسلامبول خیلی سخت و ناگوار است - ولی جز اینکه بگویند (رضاً بقضاء الله و تسلیاً لامره) چاره چیست خداوند به باز ماندگان آن مرحوم خصوصاً پدر و برادر و این هم کرامشان صبر جمیل و اجر جزیل عنایت فرماید اجزای اداره جبل المین نیز شریک مصیبت ایشان میباشد - حسب الامر آقای مشیرالدوله جناب صفاءالملک از باب عالی استیذان حاصل نموده که لعش آن مرحوم را از پاریس نقل بمتبات طالبات نمایند رحمة الله علیه رحمة واسعة

◀ بلوک کردی حکومت بشکال ▶

§ ۱۹ شهر جاری از (دارجلینک) حرکت نموده ۲۰ در (کوالندو) ۲۱ - و ۲۲ و ۲۳ در (دهاک) ۲۴ (میامسنکه) - ۲۵ باز عودت به (دهاک) - ۲۶ - و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ (مائه) سوم (عظیم کنج) ششم (برهانیپور) ۸ در کاکته خواهد رسید همراهمان ایشان زوجه محترمه با دختر ایشان آمد و (مسترسی ای بکنند) پیشکار مخصوص - و میجر (استراحی ملشی) خلوت و دیگران نیز درین مسافرت همراه ایشان خواهند بود

◀ اتحاد دولتین عیلتین عثمانی و ایران ▶

§ درین قرن اخیر اگر سلاطین اسلام مسلک مقدس

اعلیحضرت اقدس سلطان را اختیار نموده بودند امروز روز مسلمانان بین روز سیاه نمی اشقتد حق این است اگر نظر بمسلك این سلطان اسلامیان بنهائیم خواهیم استقباط نموده که از بدو اسلام سلطانی این عقل و تدبیر و فراست و سیاست و عدالت و اسلام خواهی نیامده اگر بعضی از مقتضیات پلینک مانع نبودی و برده های سیاست بروی افعال و کردار سلطانی انداخته نبود واضح میگردد که مقام این سلطان غازی بر تمام سلاطین قرون اول اسلام که در اشاعه دین نام آوراند برتری دارد - چنانچه روزنامه مقدس بارها درین موضوع بحث نموده ایضاً نکات لازم داده است و البته بازم در موقع خود درین ماده بحث خواهد نمود

جذبات اخلاق سلطانی مورث کمال اتحاد دولتین عیلتین ایران و عثمانی شده است میتوان گفت بقسمی اتحاد بیانه این دو دولت تویم رویداده که تاریخ سلف بین روم و ایران این گونه اتحاد را نشان نمیدهد و این اتحاد این دو سلطان اسلام مورث مزید اخوت و وداد جمله اسلامیان عالم گردیده عجب نیست این یگانگی ملتی و دولتی ایران و عثمانی در اسلام اثری نیکو بخشد

چنانچه وقایع تکرار جبل المین از اسلامبول میفرسند روزیکه جهة استیذان جناب اشرف پراس ارفع الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران بمابین همایون سلطانی رفته بودند برض ملوکه رسانیده که از سکودکان پشت یافته ایرانی که از ایران آمده اند جمعی به آرزوی حرکت در مکاتب عالیه ملکی و عسکری اسلامبول میبایند و این امر ملوط باراه و مربوط باجازه اعلیحضرت اقدس است - سلطان اراده فرمودند که هر قدر کودکان ایرانی را که جناب اشرف پراس ارفع الدوله خواست باشند در مکاتب عالیه عثمانی بگذارند پذیرفته شوند برواضح است که این اخلاق سلطانی و این اقدام ارفع الدوله آینده منتج بتسلیح نیکو خواهد گردید امیدواریم در ظل مودت این دو سلطان بزرگ اسلام کوکب اسلامیان از حسیض مذلت باوج عزت متمکن گردد

◀ اخبارات داخله ▶

§ صوبه کجرات سه سال متوالی است قحط میباشد و اهالی آن صوب خیل بریشان شده اند اسال نیز



قلت: باران مردم را در تشویش انداخته

§ بعد از امتحان اطبا و داکترهاییکه در لاهور یکدفعه مردم اشتغال داشتند از ۴۰۰ نفر ۲۵ نفر کامیاب گردیده اند

§ (مستر آرجی - هاردی) ناظر مالی و زراعت هند بسبب بیماری از عهده خود مستعفی شده (چیف سکرتری) - حکومت سوئیچات متحده بجای او مقرر خواهد گردید

§ در محله (حالم تیج) شهر پته شخصی برای بیرون آوردن ادویه چند درجایی رفته جان باخته است پلیس شخصی دیگر را برای بیرون آوردن نعش او درجاء فرستاده او نیز هلاک گردیده است

§ در محاصره طایفه وزیري قصباتیکه بشون انگلیس رسیده ازین قرار است - ۲۴ مقتول و هفت نفر از شعبت جراحت تلف گردیده و ۱۱۳ نفر مجروح شده اند

§ برای انعقاد جلسه ندوة العلماء ۲۰۰۰ روپیه جمع شده ۱۹ ماه اکتوبر در (امرکسر) منعقد خواهد شد

§ عده خط زدگان هند در مالک مقصره انگلیس (۲۷۴۸۴۳) و در امارتهای بومی (۱۸۲۲۰۰) میباشند

§ حکومت هند برای ساختن راه آهن (کلکت) ۴۵ هزار روپیه منظور نموده است

§ راه آهن (خوشحالکده) و (کوهانتهل) بانجام رسیده و عنقریب شروع به عبور و مرور قطار شندفر خواهد شد

§ سل گذشته از هندوستان برام (نوشی) مال التجاره که به ایران رفته دو میلیون و چهار صد هزار روپیه بوده است

§ افواه است که (لارده کنچر) قبل از دربار دهل در هند بمهده سپسالاری کل تشون هندوستان خواهد رسید

§ در جنکل (سندربن) شب شبه صکفته کاهیکه همه آتشها فراغت یافته بکشتی برمیگشتند دفعتاً هیری از جنکل بیرون آمده بکافر آنان را ربود قبل از آنیکه همراهانش بتوانند او را برهانند بدر برد

§ روزنامه (راجهای) مینویسد که در آن ضلع طوقان شندی شده و چندین قصبه را مانند (پورال کرام) و (تانه) و (الای) منهدم ساختند - و چند نفر نیز هلاک

شده اند

§ روز جمعه در (اوتاکند) جوانی اسیری از پورگان موسوم به (تله) که قریب به بده (کی تارین) مفعول به فلکی بود دیواری بروی او افتاده هلاک گردید - متوفی باشنده (بی تری برک - ترلسوال) و عمرش هجده سال بود -

§ اطانی که تازه به (هند و کالج) - مدوسه هندو بنارس شده ده هزار و پانصد روپیه است که شخصی از انگلستان فرستاده اطانت کننده اسم خود را مخفی داشته است

§ (مستر کلارک) رئیس پلیس (مدورا) را در محکمه عدالت پلیس بجرم خیانت خزینه دولت طلب شده - بجرم جنسی قبل گرفتار و در محکمه که حاکم او یکی از بومیان بود ملزم قرار یافت ولی خود را از لهالی انگلستان قرار داده درخواست نمود که مرافقه او را نزد حاکم انگلیسی فرستند - لهذا او را در (دندیکل) در محکمه فوق الذکر حاضر نموده حاکم پلیس به ضمانت او را رها کرده مقدمه را ملتوی نموده است

کلیکته

§ (کپتان استولسن) کپتان جهاز (برهنی) که هفتاد و پنج سال عمر داشت روز جمعه از جهاز در (سیم تله کپات) پیاده شده بر کالسکه کرایه سوار و خلاصی که همراه خود آورده بود حکم داد بالای کالسکه به نشیند قریب (دال هوزی اسکوار) کالسکچی بخلاصی گفت که از آقای خود استفسار نما به کجا میرود - خلاصی پیاده شده کپتان را در کالمکه مرده یافت - پلیس را اطلاع داده نعش او را بجهت تشریح و تقشیش سبب هلاکتش به (تشریح خانه) بردند

§ دیروز در عدالت پلیس علی پور مرافقه (تاین هالدار) باشنده (جای نکر) یش شد - بجرم را بجرم خیانتی که نسبت بیکی از همسایگانش نموده بود جمله پلیس گرفتار نمود - چند روز قبل بجرم قرص مطلق برای فروش نزد همسایه خود برده بقیمت طلا در هفتصد روپیه فروخت پس از چند روز خریدار آن قرص را بمحک زده معلوم گردید که برنج است بجرم را حکم دو سال حبس با نطق دادند

اداره حبل المتین

( میزپور استریت نمبر ۲۵ )

کلیه امور اداره

(الندیر کل مؤید الاسلام است)

منیجر اداره

(آقا محمد جواد شیرازی است)

هر دو شنبه طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دو شنبه

(۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۰ هجری)

مصادف با

(۲۱ جولائی ۱۹۰۲ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قیمت اشتراک

(سالیانه - - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپیه - - ۷ روپیه)

ایران - و افغانستان

(۴۰ قران - - ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۲۵ فرنک - - ۱۵ فرنک)

روسیه و ترکستان

(۱۰ منات - - ۶ منات)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ یک از خریداران نباید قیمت اخبار را بحدی تسلیم نمایند



ذمه دار صحت و سقم اعلاناتیکه در اخبار داده میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند

اجزای اداره ذمه دار صحت و سقم متواتری مستند که از طرف خود میکنند نه متواتری وقایع نکاروان و صاحبان مکاتب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

( در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود )  
( مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

فهرست مندرجات

- انا لله وانا اليه راجعون • تلکراف • تلخیص
- حقوق دول • اغتشاش • نیال • مکتوب از بغداد
- عطای کریمانه • حالات تاریخی مسلمانان مجمع الجزائر
- کارخانه عطریات ( س . ای . چیل و نسکی ) • اعلان
- تجارتی ( آ . بی . کتی ) و کپانی • شرح اجرت
- طبع کتب • زرخنامه • حقیقت را نمی شاید نهفتن
- داستان روسیا • قانون نامه جدید شرکت اسلامی
- مکتوب قصه نما • مکتوب از قفقاز • لارد کرزن
- و فرمانفرمانی هند • افغانستان • جشن تاجگذاری
- دهلی • بقیه تلکرافات • اخبارات خارجه • اخبارات
- داخله • اخبارات انگلیسی • موسم باران • کلکته

انا لله وانا اليه راجعون

بر مطالعه کنندگان محافت سیرو اخبار و خوانندگان  
جراشد لیل و نهار غنی و مستور نیست - که موت و فنا  
بر ناصیه جمیع مخلوق مکتوب - و تمام موجودات علوی  
وسفل از دست داعی اجل مقهور و مغلوب میباشند -  
بقا و دوام مخصوص ذات اقدس حضرت ذوالجلال  
است - و هر موجودی جز آن ذات پاک در معرض  
فنا و زوال - در اینصورت تصور تأسف بر فوت اهله

و احباب بی قائده و نمر است - زیرا که این راهی  
است رفتنی - و دنیا مقامی است گذاشتنی و گذاشتنی  
ولی از روی طبیعت بشری و مقتضای عوالم  
عنصری در وقت وفات بعضی از نفوس محترمه قلب  
السانی متالم میگردد خاصه اگر متوفی بزرگ سلسله  
وقائد قبیله و نیک نفس و اهل خیر بوده باشد - که  
در آنصورت وفات او گویا وفات قوم و قبیله میباشد  
چنانچه در این ایام محنت انجام از وفات حسرت  
آیات سلاله دودمان رسالت و نمره هجره جلال  
مرحوم خلد آشیان طوبی مکان ( حاجی سید صادق  
شوشتری ) نعمده الله بفقرانه صدمه عظیم و نامه بزرگ  
بتمام شیعیان خاصه جماعت ایرانیان ساکنین کلکته روی  
داد - آنچه آن مرحوم بدرجه مشهور آفاق و در عالم  
مردمی و قنوت یگانه و طاق بودند که حاجت نیست  
ذکر حالات ایشان را بنامیم - ولی از برای سرمشق  
کسانیکه در محالک بعیده میباشند و شاید درست از  
شرح احوال ایشان مطلع و مستحضر نیستند بطریق  
اجمال برخی از احوال آن مرحوم را درج میکنیم  
مرحوم حاجی سید صادق از اعقاب مرحوم  
حاجی الشریعه و مروج الملة الحمديه ( قاضی نوزالذین )

المشهور قاضی نورافق شوشتری طباطبائی نژاد که صاحب تالیف و تصانیف زیاد است بودند

مرحوم (قاضی) در زمان سلطنت (شاه جهان) برای ترویج مذهب از ایران هندوستان آمد - و از بس در علم و تقوی مشهور و معروف بود (شاه جهان) آن مرحوم را قاضی القضاة جمع بمالک محروسه نمود در دارالاساط - لاهور قیام نمود - چنانچه صاحب کتاب منتخب التواریخ (فاضل بدایونی) شرح این احوال و مدائح آن عالم با عمل را در تاریخ خود مبسوطاً ذکر کرده من جمله میگوید از تعیین ایشان باین عهده معلوم طلیان شد که تضاروت و فصل خصومات زینده اینگونه زرکواران است

پس از آنکه در ایام دولت (اورنگ زیب) بعضی از منافقین آن سید جلیل و عالم نبیل را در آگره بدرجه رفیعه شهادت رسانیده جسد مطهرش را در (اسکندران) که اینک محل زیارت اهل دین است مدفون ساختند اعقاب آن مرحوم گاه گاه برای زیارت قبرجد زرکوار خویش به هندوستان میآمدند - تا آنکه جد اعلای مرحوم نازده سکنگشته نرهم برای زیارت رهم رسم تجارت اینجا آمده متاهل گردید و همیشه در میان همه اقوام به بزرگ منشی و حسن سلوک مزینست - تا وقتیکه نوبت یوالت مرحوم حاجی سید صادق حاجی سید حسین مغفور رسید آن مرحوم پیش از پیش بنام بلند و مقام ارجمند ارتقا جست

بعد از وفات مرحوم حاجی سید حسین نوبت ریاست و بزرگی سلسله و قوم باین سید بزرگوار رسید - بنوعی ماخویش و بیگانه سلوک کرد که مردم فریفته شمائل و مکارم اخلاق او گردیدند هرگز دلی را نمی آرد - و خاطری را رنج نمی ساخت - هر چه دست وس داشت فقرا و ضعفا و ارامل و ایتام و مسافرین را دستگیری میکرد - عمارت بقرا را و خود و اولاد خویش ترجیح میداد - آنچه را از پیشینیان شنیدیم بالغ بر يك و نیم مایون اموال آن مرحوم نزد مردم یا از حوادث دیگر در معرض تلف آمد - ولی هرگز یکجه و دینار مال کسی نزد او ضایع نشد - حسابش با مردم صاف و پاک بود - و تاهی کسی نشان نمیدهد که مادام المرزبان کذب هزل ولو بزاج کشوده باشد کویا اسمش از آنچه

اسمانی بوده که فرموده اند (الاسماء تنزل من السماء) پیوسته در اطاعت و دستگیری ضعفا و فقرا میکوشید - و اگر بر کسی از احباب مرحوم مصیبت و صدمه میرسید کویا چنان بود که آن صدمه بوجود خودش رسید بواسطه این فضائل مدوحه محبوب القلوب عام و خاص بود و با آنکه نقصات بزرگ مالی باورسید و از حسن ینتش نکاست در دنیا با کمال عزت زیست و از برای اعقاب خود هم دولتی هنگفت گذاشت که بعد از خود محتاج نباشند و در زمان حیات خود آنچه باید به هر يك از اولاد خویش بدهد داد که بعد از او کدورت میان ایشان پیش نیاید - اگر چه بحسب قول در ملل و اقوام دیگر مردمان بسیار بود که از آن مرحوم یعنی جسته بود ولی بواسطه معقولی و درستکاری بین بچار نزد حکام و غیره هم ممبر تر از ایشان نبود میتوان در حق ایشان گفت (عاش عزیزاً و مات عزیزاً)

آن مرحوم بالغ بر هفتاد و چهار سال زندگانی نمود اگر چه از مدت درازی مبتلا بضیق النفس بودند و از این سبب نیز ضعیف شده بود ولی باین همه اندک اندک مصروف بامورات خود و بیگانه میشد

دو هفته قبل از وفاتش آثار (برقار) در وجود ایشان ظ هر شد چون تب نبود و اکثرها چندان اهمیت نداده اگر چه مشغول تداری بودند ولی اطمینان بصحت داشتند - چهار روز قبل وفاتش مرض شدت و غلبه کرد (وفواق) عارض شد داکترهای بزرگ و حکام حاضر در معالجه کوشش کردند ولی غلبه ضعف و بسیاری عمر علاج آنها را بی سود گذاشت تا روز دوشنبه هفتم ربیع الثانی از نصف النهار حالت مرحوم منقلب گشت و حرارت قلب و فعلش رو بکمی نهاد - کویا ملهم غیبی الهامش کرده بود که وقت وصال دوست قریب است - از همان وقت تا یکساعت از نصف شب سه شنبه گذشته با کسی تکلم نکرد و پیوسته لغسته مشغول نماز و راز و نیاز بود یکساعت از نصف شب سه شنبه گذشته در حال سجده داعی حق را لیک اجابت گفته روح پاکش بگلستان جنان خرابید و با آب و اجداد اطهار خود محشور گردید

روز سه شنبه تمام همائد و بزرگان اجتماع نموده جنازه آن مرحوم را با احترامی که زیاده بر آن متصور

§ روز جمعہ (لارڈ سالسبری) صدر اعظم انگلستان بخدمت اعلیٰحضرت (ادورد ہفتم) بار حضور یافته استغفای خود را پیش نمود۔ اعلیٰحضرت استغفای او را قبول فرموده و بہ (مستر بالفورد) خبر دادند و او (مستر چپرلین) و وزرای دیگر را ملاقات نموده روز شنبہ بخدمت اعلیٰحضرت بار حضور یافته اعلیٰحضرت رسماً (مستر بالفورد) را بصدہ صدر اعظمی انگلستان مقرر فرمودند۔ سبب استغفای (لارڈ سالسبری) علالت و عدم قوای جسمانی و دقت در ادا وظایف منسبی بوده است

§ دیروز (لارڈ کچنر) بدربار اعلیٰحضرت (ادورد ہفتم) بار حضور یافت۔ اعلیٰحضرت در بالای کوچی خوابیده اورا بکمال کرمجوشی و محبت پذیرائی نموده شکرۃ خدماتتی را بذات خود نموده نشان جدید لیاقت بدو عطا فرمودند۔ پس ازان (لارڈ کچنر) باعلیٰ حضرت ملکہ ملاق شدہ امروز روانہ (ہفیلڈ) خواہد کردید

§ محبت (مستر چپرلین) حسب دلتواہ است۔ و جراحت او التیام پذیرفت

§ (کنڈانت بوتھا) سپہسالار (پوز) در ملاقاتیکہ با مخبر روتر در (ماتیز برک) نموده اظهار داشته است کہ اہ بقین دارد کہ اگر باپوزان از روی انصاف رفتار شود زود از شورش باز آمدہ مشغول بکار خود خواهند شد

§ اعلیٰحضرت امپراطور روس با (کراندیوکھا) و وزرا بادشہ ایتالی را کہ وارد (پترزبرغ) کردہ پذیرائی نموده روانہ قصر عالی شاہانہ کردید۔ و در آنجا علیٰ حضرت (زاریت زہ داؤعر) والدہ اعلیٰحضرت امپراطور روس ار ایشان پذیرائی کرد۔ در همان شب مجلس مهمانی با شکوہی کہ جمیع اسرا و دراریار شرکت داشتند منعقد کردید

§ اعلیٰحضرت امپراطور روس شاہرادہ (برنس مس جرکی) را ہدایت نموده اند کہ در نواحی و لایات، خارخاف، وکریناس لاو، و پالتاوا، گردش نموده استنباط نمایند کہ استحکام و قوام این شورش تا چند و ناکی است و علت شورش و شایعہ واقعی اہالی از چہ راہ میباشد

نیست از خاک برداشته پس از تجویز حسب الوصیہ در مقبرہ شیعیان برسم امانت گذارده اند کہ پس از حصول اجازہ از دولت عالیہ عنانی بہ نجف اشرف نقل و تحویل دهند و در وادی السلام در مقبرہ والدشان مدفون سازند (رحمۃ اللہ علیہ رحمۃ واسعہ)

از آن مرحوم چہار پسر رشید و سہ دختر بیاد کار ماندہ

§ (۱) - جناب مستطاب آقا سید محمد علی صاحب

§ (۲) - جناب مستطاب آقا سید حسین صاحب

§ (۳) - جناب مستطاب آقا سید محمدہادی صاحب

§ (۴) - جناب مستطاب آقا سید محمد رضا صاحب

اگرچہ چنانچہ سابقاً عرض کردیم کہ از وفات آن مرحوم تمام جماعت شیعیان خاصہ ایرانیان متالم میباشیم ولی خاطر خود را تملی میدہیم باولاد کرام آن مرحوم کہ ثمرہ آن شجر میباشند و ار درکاہ خداوند مستلت داریم کہ آن مرحوم را در جوار رحمت خود جای دہد و طول صبر و عزت و صبر و اجر باولاد کرامش عنایت فرماید در عمارت مسکنہ آن مرحوم سہ روز بنوعیکہ شایان بود مجالس فاتحہ قرار دادہ امزہ و اعیان ار ہرقوم و ملت درین ہذا خانہ شرکت نمودند

پس از طرف انجمن مرتضوی کلکتہ نیز در حلیہ (کول کوتی) سہ مجلس فاتحہ بسیار مفصلی برای آن مرحوم گذارده بزرگان و عماید ہرقوم و ملت شرکت در مجالس فاتحہ نمودند

جلہ اخبارات انگلیسی کلکتہ نیز فوت آن مرحوم را مفصلاً نوشتہ اظهار تأسف و ہمدردی نمودند۔ اگرچہ شایستہ بود کہ ذکر اسامی بزرگان و اہلبیکہ درین مورد یعنی در تشییع جنازہ و شرکت در مجالس فاتحہ با ما شرکت و ہمراہی نمودہ اند درج در اخبار جہالمینین ناہم ولی بواسطہ عدم تنجایش صفحہ روزنامہ غرض بصر نمودہ معذرت میخواہم

### تذکرات

(سیزدہم جولائی)

§ رسماً امانت یافتہ کہ (لارڈ سالسبری) صدر اعظم دولت انگلیس روز جمعہ استعفا دادہ (مستر بالفورد) بصدہ صدر اعظمی انگلستان قبول شدہ است

( چهاردم جولای )

§ امروز جی از اهالی ( یونین ایست ) برای مشوره در وزارت خارجه انگلیس طلب شده اند  
§ ( سرمایه کل هکس بیچ ) وزیر مالیة دولت انگلیس از عهده خود استعفا نمود

§ هربندر ( سموتیه ) اشاعت یافته که اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) فردا بر قایق مخصوصه خودشان سوار و روانه ( کوز ) خواهند کردید و در آنجا کفک لنگر خواهد انداخت

§ در میهمان ( بزغاف ) اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت ( امانیول ) پادشاه ایتالی بسلامتی یکدیگر جام صحت نوشیدند و روی سخن در اتحاد و دوستی دولتین روس و ایتالی بود

§ ( لارڈ جارج هماتن ) وزیر هند در دارالشورای ملی دولت انگلیس در جواب ( سر . ای . سامون ) اظهار داشت که اثر بند نمودن ضربخانه بر زارعین و اهل حرفه ( کرسی کیتی - کیسیون سکا ) در اندر ( سرهنزی فولر ) تأمل نموده هیچ نکته به نظر در نیامده که فیصله کیسیون را باطل نماید

§ در سقف و برج قصر مشهور ( سنت مارکس ) در ( دنس ) دیروز علامت انهدام مشاهده و امروز خراب گردید

§ ( لارڈ جارج هماتن ) وزیر هند در دارالشورای ملی - به جواب ( مستر لیوکر ) اظهار داشت که با فرمانفرمای هندوستان هنوز درباره مصارف پذیرای که بامرای هند در اهارة هندوستان شده مشاهده نه نموده . وقت پیش شدن دخل و خرج فرصت بحث نمودن در باره این اخراجات حاصل خواهد شد  
( پانزدهم جولای )

§ ( راس مقائن ) سفیر فوق العاده حبش وارد فرانس و با ( ایم لوبت ) رئیس جمهوری فرانسه ملاقی گردید

§ ( سرمارکس سیوال ) که یکی از تجار است شریف لندن مقرر گردید

§ در جزیره ( نیوزیلند ) در چشمه آب حکرم موسوم به ( وی منکو کیر ) آب جوشش نموده و

§ ( لارڈ جارج هماتن ) وزیر هند در دارالشورای ملی به جواب ( مستر شوان ) اظهار داشت که نمیتواند بیان نمود که تخمین مصارف ساختن راه آهن از ( کویته ) الی ( لشکی ) چه قدر می باشد - در خصوص گذاشتن راه آهن از وسط سیستان تا بحال بحکومت هند معروض نداشته اند -

§ در دارالشورای ملی دولت انگلیس یکی از وزرا از جانب ( مستر چپرلین ) اظهار داشت که حکومت در ماده صرف تریاک در ( جزیره سیلان ) با احتیاط تمام متنبه بوده و تحقیق شده که در صرف تریاک زیادتی نفعده است  
§ اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) را بعیت علیا حضرت ملکه بموقف راه آهن ( ویکتوریا ) حمل داده سوار کالسکه نموده بساعت یک و چهل و هفت دقیقه بعد از ظهر وارد بندر ( سموتیه ) گردیده سوار قایق شاهی شده روانه ( کوز ) شدند - رسماً اشاعت یافته که از نقل و حرکت این سفر با اعلیحضرت هیچ کوه خستگی روی نداده و اعلیحضرت از تبدیل جایگاه مسرورانند - آب و هوا موافق طبیعت ایشان و امیدوار صحت عاجل اند امروز صبح اعلیحضرت را بر کالسکه که مخصوصاً ساخته از قصر شاهی بموقف راه آهن حمل داده عمالجات پلیس و قشون چین روانگی اعلیحضرت همراهی رکاب نمودند -

◀ تلخیص حقوق دول ▶

( از شماره ۲۶ )

§ ( ۲۳۴ ) اهل صلیب جبهه بحار بلوک متبای فیباین اهالی شرق و غرب اروپا در میانشان بغض و عداوتی حاصل شده وجهه رفت و آمد بممالک یکدیگر امنیت شان سلب گردیده بود و حال آنکه امر متبایه محصولات ارضیه و صنایعیه بالطبع محسوس آمده و احتیاج آنان را به تجدید مناسبات سوق و اجبار نموده دول اروپا لاجل التجاره تشبث نمودند به اسباییکه مدار تأمین احوال بتمه آنان که در ممالک شرقیه زیست دارند بوده باشد نخست بعضی مساعدات جبهه اقامه کاربرد از در ممالک شرقیه جبهه رسیدگی به امور تجاریه و حمایت شخصی تبه خودشان استحصالی نمودند

§ ( ۲۳۵ ) از دول اروپا نخست دولتیکه در این زمینه به استحصالی عهدنامه دست رس کرده دولت



فرانسه بود در سال (۱۵۰۷) میلادی مطابق سال (۹۱۳) هجری از سلطان مصر که (غوری) نام داشت يك فرمانی گرفت

بحکم همان فرمان دولت فرانسه در اسکندریه و طرابلس شام هر يك يك کار پرداز نشاند و تباهش بر قن و آمدن آنجا مأذون شدند

مؤخرأ در سال (۱۵۳۵) میلادی موافق (۹۴۱) هجری که فباین دولت علیه و فرانسه معاهده اتفاقیه انعقاد یافت از طرف دولت عثمانی نیز امتیاز و مساعدت داده شد که در جمیع ممالک دولت عثمانی همان امتیاز مصر را دارا باشند

§ (۲۳۶) تا يك مدتی بموجب احکام امتیازی که بفرانسه داده شده بود تبعة سایر دول اروپا در زیر بر فتن فرانسه مانند فرانسویان به آمد و شد ممالک عثمانی مأذون بودند تدریجاً دول سائر هم هر يك عهدنامه بهمان شرایط تحصیل نموده و در ممالک عثمانی مساعدت را که تبعة اجلی حائز میباید بدینصورت وجود رسیده

مثلاً در سال (۱۵۶۷) میلادی مطابق (۹۷۵) هجری (استریا) و در سال (۱۵۷۹) و سال (۹۸۷) هجری آنکریز و در سال (۱۵۹۸) مطابق سنه (۱۱۰۷) هجری دولت (فلمنک) نائل این مساعدات گردیده

و در سال (۱۷۴۹) مطابق سال (۱۱۵۳) هجری در عهدنامه که عثمانی با فرانسه بسته مکرراً خلاصه مساعدات قدیم ذکر شده

§ (۲۳۷) این مساعدات در فانی با معاهداتی که با فرانسه دولت عثمانی منعقد ساخته تأیید شده چنانچه در معاهده تجارتنیکه در سال (۱۸۶۱) مسیحی موافق سنه (۱۲۷۷) هجری فباین دولت عثمانی و فرانسه انعقاد و تأکید شده با معاهداتی که در آن زمیله با دول سائر بسته شده تأیید کرده شده - مع هذا تمام مواد نبود و عقیده با معاهدات اخیر تصدیق نشده بالعکس اکثر اینها و خصوصاً احکام متعلق ب تجارت و سیرسقاوت تعدیل شده است (باقی دارد)

### « اغتشاش »

یکشنبه گذشته در ( شب شاکر ) من مضامین (نچوگا) حملجات زراعت چائی بر میجر و اسقنت

ملیجر (مهتم و نائب آن) حله آورده اسقنت ملیجر را این قدر زدند که آخر روز چهار غلبه از صدمه مشت و لگد جان بجان آفرین تسلیم نمود - حالات و علت مفصل این واقعه تاکنون معلوم نیست پلیس در تحقیق امر سعی است

### « نیال »

مسلم است که در هر زاویه از زوایای دنیا نظر اندازیم اهالی قنون و تعلیم اروپائیان را احساس نموده اند - حق امارت قدیم (نیال) از خیالات مغربیان سر مشق گرفته مصمم سکردیده که برای تعلیم علوم صنایع هفت نفر از طلاب باز یاقه را در ژاپون و امریکا کسب داشته اخذ علوم صناعت نموده تا پس از عودتشان ملت خویش را به یکدرجه از ذل احتیاج از اجانب برهاند مقام حیرت انگیز است که امارت (نیال) همیشه کوهستانی و بربری زاده و وحشی مشهور بود این ایام احتیاج او را مجبور به تعلیم علوم و شایستگی امارت نموده - مظنون است که پس از چندی کوی مسابقت را از تمام امارتهای بومی بر باید اینک که در دماغ آنان خیال ترقی و برسرشان بهبودی ملک و ملت جای گرفته لابد زمانی بیاید که رفع طالب احتیاجات خودشان را نموده از مذلت امروزی نجات دهند الحق شایسته چنان است که بدین خیالات عالی کارکناران این امارت قدیم را تهریک گفته تهلیت نایم از قرار معلوم امنای امارت اعلان داده که تمام مصارف طلابی را که بخواهند برای تحصیل علوم و قنون در ممالک خارجه برونند ادا خواهند نمود و پس از فراغ از تحصیل نیز بمقامت عالی و عهده های جلیله نائل خواهند شد

خدایا ملت نجیب قدیم ایران را نیز آن سلیقه عنایت فرما که سرفیق از نیالیان وحشی گرفته در رفع احتیاجات ملی خود کوشش نمایند - نه اینکه هر اطفال و اموال خودمان را در خارجه صرف نموده به تحصیل زبان و استدراک برخی از عادات میشومه اروپائیان تلف نایم علوم و قنون موجوده اروپا بحال هر ملک و ملت و دولت مفید است نه صرف تعلیم زبان و استدراک عادات میشومه آنان - ضروری است که ازین تعلیم یافتگان جدید فرنگ بر ملت و



دولت ما متصور است از جهال متصور نیست امروز روز جلب علوم مروجۀ اروپا برای هیچ دولت و ملتی دشوار نیست و ابدأ ضرورت ندارد که تمام ملت دارای السنۀ خارجه باشد - خداوند نیت صاف و سلیقه شایسته با ایرانیان کرامت فرماید

مکتوب از بغداد

§ در اواسط ماه صفر يك نفر از اشرار دزدی کرده و فراری از حکومت هم بود - در خانۀ خویشی از خویغان خودش پنهان شد رئیس پلیس در آن خانه رفته تفتیش کرد چون آنخانه متعلق به جماعت متعاهدین و حلف کنندگانی بود که هفته گذشته ذکرشان شد حضرات پول جمع کرده از هر نفری دو قران گرفتند که رئیس پلیس را معزول نمایند پول جمع شد ولی رئیس پلیس را معزول نکردند و کاری انجام نشد -

سبب این تصد و معاهده این بود که در شب عید غدیر جعفر نام بحال چاهی نجف رفته روغن خرید کند چون در آن زمان روغن ترقی داشت و يك وقیۀ اسلامی را به سه قران و چهار قران میفروختند مشارالیه روغن نخرید بعد از هروب در بیرون نجف نیم فرسخ بشهر مانده دزدان او را کشته هرچه پول داشت بردند این امر سبب شد که اجامه و او باش بغداد گفتند ما باید صفای بشویم سکه خون ماهد زود و باجال نشود لذا اجلاف جبهه صرفۀ خود بر قیمت تمام در این امر اقدام کردند افسوس که در مذهب کاظمین و این عتبه شریفه که متصل بجمیع عتبات و بیضۀ اسلام و محلو از علمای اعلام و فقهای کرام کثرتۀ اشغالهم است این وقایع مرده جاهلیت اجبا و احکام اسلام باجال شود و هیچیک از علما منع نکنند نمیدانم در کدام مذهب است که دینه مقتول راه سه قسمت نمایند ثلث آنرا بورنه دهند و دو ثلث دیگر را یکجماعتیکه هر يك از بلد خارجی که اجنبی بیکدیگر هستند بخورند و یا در کدام مذهب رواست که اطانت بیدولسان و پول بظالم نمایند و شهادت باطل در حق یکدیگر دهند اهل کاظمین قبل از این معروف باین مطالب بودند در حفا حال که آشکار شد یاد خواهد آورد که در حق ..... مانع شهادت دادند که پیشتر را ناسزا گفته خواستند او را اخراج بد کنند. اگر علما

تبارك نمیکردند کار خود را پیش برده بودند و کلاه چند نفر دیگر هم دارند که معروف آفاق شده است که علایب مجتمع و علما ساکت هستند باوجود این اختلافه شرع بین واضح

ولی اگر ملت یا دولت بخواهند مکتبی احداث نموده مردم را تربیت کنند و اشریتا میکنند و نهمین مینمایند چنانکه در سه سال قبل حضرات تجار و نظامین کمپانی شده که مکتبی افتتاح کنند مردم را تربیت نمایند و از تربیت بسوی تمدن گشایند برخی از علما راضی هستند الحکمه - مردم را مثل کوسفندان بی زبان و راهی هر روز بیک جا می برند این هم از عدم توجه حکومت ایران است ایرانیان می بینند هر بلای بسر جان وارد آید حکومت حمایت نمیکند لهذا خود را برپا می بندند ولی این امر مردمان مناسب سلفه و پست است نه شایسته حاجی و آقا زادگان سابق الذکر کم کم دیگران هم از حرکات آنها مفرور شده کان خوبی این امر را میکنند و با آنها در این باره شرکت خواهند کرد. علاوه خود حضرات هم مردم را ترغیب میکنند بسط کلام و بیان مطلب نحو مطلوب از جانب مدیر جلالیتین باید از آن مدیر محترم خواهش داریم که این مطلب را جناحه شایسته تشییح است بجاوند و مفاسد را اظهار داشته تا برده از روی کارها برداشته شود که اجر دنیا و آخرت دارد

عطای سکرانه

- § (مستقرانجی) دولتمند معروف صفحه روزگار ساکن امریکا از سکیسۀ قنوت خود محض تربیت و راحت بی نوع بشر مبلغ دو بیست و يك میلیون فرانك که بحساب پول ایران معادل پنجاه میلیون و هویست و پنجاه هزار تومان است از قرار ذیل بخشیده است -
- درباره مدرسه دارالفنون (اسفوجیا) پنجاه میلیون فرانك - (دوازده میلیون و پانصد هزار تومان)
  - (۷) انجمن علمی (بطرزبورخ) سی و پنج میلیون فرانك - (هفت میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان)
  - (۳) مدرسه دارالفنون (نیو یورک) پنجاه میلیون فرانك - (دوازده میلیون و پانصد هزار تومان)
  - (۴) هموم اهالی مملکت (نیو یورک) پست و هشت میلیون فرانك - (هش میلیون و پانصد هزار تومان)
  - (۵) مکتب و مدارس (هموشید) - (برادوونقی) و

(۱) و غیرها بسند ملین، فرانک (پنج میلیون تومان)  
(۲) رسم سرمایه در صندوق برای مستخدمین  
اداره شرکت (فارنجی) در موقع پیری و کوری  
و عطف و عافه لغیبی آنها گذاشته اند بیست میلیون  
فرانک (پنج میلیون تومان)

شما از حالات تاریخی مسلمانان مجمع الجزائر  
(عطف باسابق)

باسولی که ذکرش سبقت یافت مسلمانان در مقامات  
مختلفه آبادی نموده اشاعت اسلام کرده از حیثیت  
پلیسی و اخلاق و معاشرت دین خود را محکم و  
مستحکم مینمودند تا اینکه در هزار و شصت و عیسوی  
اهالی اسپانیا از روی قهر و غلبه بر ممالک متصرفه آنان  
حمله نموده قبضه اقتدار خود آوردند - در ایام اقتدار  
خود نه مسلمانان در ترویج مذهب خود شمشیر کشیده  
و نه باشندگان آن سرزمین را ذلیل و خوار کرده  
خود را قوم بالا دست و قانع و قالب ظاهر کردند صرف  
لباس تجارت در آمده و بواسطه لیاقت و تهذیب خود  
رسیدند بمقاماتی که رسیدند - از تهذیب و لیاقت شخصی  
در عووض آنکه عظمت حاصل نمایند و دولت و ثروت  
جمع کنند خدمت باسلام نموده اموراتیکه اسلام پرستان  
در خیال خود مبین نموده و حکمت عملی خویش قرار داده  
بودند مد نظر گرفتند - باندک تأمل در مسأله جلیله آنها  
باید غور نمود و در مسأله که در جزائر مختلفه و مآه  
اسلامیه در ترویج دین مقدس اسلام معمول داشته اند  
تأمل کرد ازین مختصر حالات تاریخی که ذکر شد ظاهر  
میسود که دعاته اسلام در مجمع الجزائر میلی بتدریج ترقی  
نمودند درین مسئله هیچ نبوتی در دست نیست که دعاته  
اسلامیه در چه زمان آنجا رسیده و در چه مقام اولاً  
قیام پذیر شدند - بی درباره جاوه مورخین خود  
جاوه مینویسند که اسلام از سرحد مشرق داخل شده  
کم کم سرایت بجانب غرب کرد ولی از روی قرائن و  
واقعات طبیعی میتوانیم تصور نمود که هر مقام مسکه  
تزیلکتر بممالک اسلامیه بوده اولاً در آن مقام اسلام  
اشاعت یافته ازین رو مناسب است که ازین ترتیب شروع  
درین مقصود شود -

از بروی تاریخ جزائر (میلان) جهان ظاهر میشود  
که اول سلطنت اسلام در (اچین) که تمام جزیره

(سماترا) نیز شامل و در جانب شمال واقع است قائم  
گردید چه این جزیره از تمام جزائر قبلی نزدیک تر بهند  
و غرب است و این امر در وقتی بوقوع رسید که زوال  
اسلام در مشرق و مغرب شروع شد یعنی چند سال  
قبل از آن در سنه (۱۲۰۸) میلادی وقتیکه سلاطین مغول  
بر بغداد استیلا یافتند و خاندان عباسیه را زوال رسید  
و چند سال قبل از آن نیز (فرومینداوف لوان و کتیل)  
مسلمانانرا از (قرطبه) بیرون کرده بود همان ایام در جزائر  
میلی پادشاه (اچین) شروع بدعوت اسلام نمود ولی  
بقول (کرنل پول) که یکی از مورخین بزرگ فرانک است  
این عنوان را ازین رو قرین قیاس نمیتوان گفت که در  
سنه (۱۶۹۲) میلادی زمانیکه (مارکوپل) درین جزیره  
رسید ذکر و نامی از اسلامیان در میان نیآورده همین  
قدر نوشته است که باشندگان آنجا صرف بت پرست و  
وحشی اند (کرافرد) در بیان تاریخ میلی تسلیم کرده  
است که در سنه (۱۲۰۶) چیناویها اسلام قبول کرده  
علاوه نیز قرائن خارجه در تردید قول (مارکوپل)  
هست که بعدها ذکر خواهد شد بهر تقدیر این  
مشکل از سلسله تاریخی است که قبل از سنه (۱۴۰۰)  
میلادی (ماراسیل) که پادشاه (سندرا) بود دین  
اسلام قبول نمود و خطاب و لقب ملک الصالح بر خود  
نهاد و با دختر شاه (اچین) نکاح کرده از آن دو پسر  
بوجود آمد - باین خیال بود مسکه دو فرزندان را  
فرمانفرمای این مملکت قرار دهد علاوه برین پادشاه  
مذکور در ساحل شمالی جزیره مذکوره اقتداری بسزا  
حاصل کرده شهر (ایسی) را تخت گاه سلطنت خود  
قرار داد در سنه (۱۳۴۶) وقتیکه این بطوطه بسیاحت  
جزیره (سماره) آمد پسر بزرگ ملک الصالح (الظاهر)  
نام داشت پادشاه (سندرا) بود مثل پادشاهان اسلام  
با احترام و احتشام سلطنت میکرد و سلطنت و رقبه  
مملکت وی در ساحل بقدری بزرگ بود که بمسافرت  
چندین روز از رقبه مملکت آن نمیتوانست خارج شد  
بدرجه کمال جوش اسلام بر سر داشت و کاملاً پای بند  
باحکام شرع بود در مسائل دین مبین مباحثه با علما  
و فقها را دوست میداشت شجاعت اسلامی ذاتی و  
فطری او بود با آن اقوامیکه در قرب و جوار آن  
بود و باصول بت پرستی راه می پیوندند جهاد نموده

عساک آنها را اسلح کرد و مفتوحین اطاعت قبول کرده حراج ۲۴۰۰ روزه کرده کرقتند - درین خصوص این بطوطه چنین مینکارد

(سلطان الجاهل) - وهو السلطان الملك الظاهر من فضلاء الملوك وبتكرما تهم شافى المذهب حب الفقهاء بحضور مجلسه مقرائته والمذاكره وهو كثير الجهاد والفزوه ومتواضع ياتى الى صلوة الجمعة ماشيا على قدميه وامله بلاده شافية محبوبون فى الجهاد يخرجون معه قطوعاً وهم قلوبون على من يلهم من الكفار والكفار يعطونهم الجزية على الصلح

این مسئله بتصدیق زبیده حکه شریف مکدر ابتدای مایه (۱۸۰۰) شیخ اسماعیل نامی را که بجهت دعوت اسلام در (سماره) فرستاده بود (ملک صالح) را مسلمان نمود چه حالات (ملک صالح) در تواریخ قبل از آن دیده میشود بلی بقول (دوزی) که یکی از مورخین بزرگ است بافندگان ساحل شمالی بتلقین شیخ اسماعیل دین مقدس اسلام را قبول کردند - (باقی دارد)

کارخانہ نمطریات مشلق بخانه تجارتن

س - ای - چیل و تسکی

در شهر مسکو در کوچه نیکاسکی

این خانه تجارتن عطریات و صابون های ذیل به

خریداران محترم معرفی مینماید - بهترین صابون برای بزرگ موسوم به (یواسی) جهت نرمی و سفید کردن پوست

همچنین عطریات (روری Reverio) از

صابون - و عطرها - و پودر - و ادکلن صکه در استمرار و لطافت بو بی مانند است

همچنین عطریات (پارفینس Parphenis)

نوع عطر معطر با دوام اعلا صابون - پودر -

ادکلن

No. 101616.

مسکو در روسیه

خانه تجارتن (آ. منی کتی) و کپانی

در شهر مسکو در میدان (گروژینسکایا بلشاد) در خانه (کالینی نا)

همیشه امتعه ذیل بقدر کفاف حاضر و موجود است

کالش جیر و چکه های جیر بانواع و اقسام

جیر برای چرخهای کالسکه و درشکه و دو چرخه های معمولی و دو چرخه بخار (ماتر)

بالا پوش ها و پالتوهای جیری برای بارش انواع اقسام

پارچه پشمی و پنبه ممزوج بجیر که رطوبت بآنها از نمی کنند انواع و اقسام

اشیاء جیر معموله اطبا و دکترها و مریض خانه ها

اسباب بازی جیری از قبیل کوی ها و قچیلهها وغیره

ملزومات ماشین آلات از جیر انواع و اقسام

جیر اصل (پارا کرمی) کیلاستیک و هکذا روغن جیر بانواع رنگها - و واکس برقی و شفاف کننده ارمی ها

و هکذا سریشم جهت چسباندن اشیاء جیری از کفش و کالش و پارچه و جیرهای دور دو چرخه وغیره

خانه تجارتن مذکوره قبول می کند فرمایش انواع اشیاء از جیر و کیلاستیک

این خانه تجارتن اشیاء فوق الذکررا از خانه های تجارتن دیگر صدی (۲۰) الا (۲۰) ارزان تر میفرشند

No. 101620.

شرح اجرت طبع کتب وغيره

§ اجزای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هرکونه کتب عربی - فارسی - اردو - وغيره حاضراند

§ (اول) - اجرتیکه ذیلاً در نرخ نامه معین شده فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی وغيره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع حاضر اند که هر قسم دستور العمل داده شود تکمیل نمایند

§ (دوم) مطبع ذمه دار هفت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان يك جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - ام براینکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی یعنی تا نیم (انچ) - ربع کره قطع کاغذ کم یا بیش باشد بهمین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع ام از نسخ - دستخطی - شکسته - مطابق خطوط متوسطه مطبوعات پیش و سائر بلاد هند خواهد بود

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام اموری جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (ملیجر مطبع)

• شرح نامه •

فی جزو	حروف ریزه	حروف متوسطه	حروف درشت خطی
هزار و شصت	هشت رویه	هشت رویه	هشت رویه
پانصد و شصت	هشت رویه	هشت رویه	هشت رویه

حقیقت را نباید نفی (شماره ۵)

مرسیو اور مینکاره پس از آنکه فارغ التحصیل گردیده داخل اموات دولتی گردیدم تا امروز آنی از تدقیق مسائل معظمه اقتصاد فارغ نبوده ام و در روزگار زندگانی بخورم در محصولات طبیعی و مصنوعات و سایر مواد لایم و لایم بعضی وقت و ملاحظه نموده ام اینکه میتوانم ادعا کنم که پس از این همه تنج بطور

سطحی تا بهسکدرجه دربارۀ اینگونه چیزهای مختلفه معلوماتی کسب کردن توانستام و نتیجه جمیع تحقیقات پانزده ساله زندگانی تجاریه و مالیه ام همین مطالعات و افکار است که ذیلاً مینگارم

در روزگاری که فعالیت تجاریه و معدنیۀ ترانسوال بملتها درجه رسیده بود و حرص زر و الماس طلبان در همان درجه ترقی داشت من در ترانسوال در میان آنان بودم و همگی را برای اولین مشاهده مینمودم که حرص و فعالیت آنان بجه پایه ترقی نموده بود و علاوه بر آن در خصوص ثروتها اثرهای بسیاری از علمای بزرگ علم اقتصاد را مطالعه و وقت نموده ام و در خصوص ثروتهای بی نهایت و کلهبهای بی شمار که در امریکای شمالی و روسیه از سائر معدن نفت ذخار نموده اند اثرهای شمار مطالعه نموده ام و روانپهای بی پایان تولیدام در انجام کار مرا قناعت آمد و یقین حاصل نمودم براینکه مایه و اسباب جسم ترین ثروتها که بساحت ظهور و بروز آمده ماده زیت معدنی یعنی روغن نفت میباشد

یکی از دوستان من که کمال اعتماد را بهم ودانش و هوشمندی و راستگویی او دارم و در کالیفورنیا میباشد رساله کوچکی تعریف و نشر نموده واجب دانستم که مطالب او را جهت کسانیکه در هوس و آرزوی آن میباشند که ثروت آنوقت سویی بچنگ آورند بنگارم زیرا در او معلومات مفیده بشمار اندراج یافته

نفت سیاه

این زیت معدنی منبع ثروتهای بزرگ بود و هست و ثروتها بیک در سایه این محصول پیدا شده ثروتهای بباره را که بوسائط دیگر حاصل شده بسیار پشت سر انداخته و از همه آنها گذشته است

معدن طلا و قره و روی و پلاتین و مس و آهن و زغال و یا هر معدن دیگر که تا حال کشف و استخراج آنها بسیار از فقرا و بیایکان را در جرک صاحبان ملیون در آورده در حالتیکه آنها را با این معدن نفت بسنجیم همگی در درجه دوم و پست تر میمانند زیرا ارض و زمینها بیک در آنها نفت هست پس از کشف بوساطه منقب و ماسونده همینکه معدن رسید و جاهها خرسند دیگر طبیعت به اجرای کار پرداخته

سررم وقت را مانند سیل جاری میسازد  
 در وقت هم همان طور مانند آبروان پشت سر هم می آید  
 « فکر برخی از کسان که از وقت دارای »

(ملیونها شده اند)

[روقولدر] امریکائی اگر معدن نفت نمی بود  
 در ظرف چند سال دارای ثروت جسم هنگفت  
 تقدیکه عبارت از صدها ملیونست نمی شد

برخی کسان طای که در دو سال پیش عمل و کارکن  
 بودند بسبب کشف نمودن معدن نفت بلکه مخزنهای  
 نفت که دست قدرت در زیر زمین نهفته صاحب ثروت  
 فوقالعاده گردیده اند و بسیار از اهل داد و ستد بجهت  
 ظر نمودن در معدن نفت سرمایه های بسیار کوچک  
 کفارده در ظرف یک ساله سرمایه خود را باضعف  
 مضاعف بزرگ نموده اند

(شرکت امتدرد آیل) که جائز نخستین انحصار  
 معدن نفت میباشد در سال ۱۹۰۰ مسیحی تمتی که  
 بحصه داران خود داده است عبارت است از چهار  
 صد و شصت و سه ملیون لیرای انگریزی یعنی حصه  
 تمتی که او بشرکای کپانی خود توزیع نموده از شرکتهای  
 « نیو یورک ساترال » ( و پنسیلوانیا ) و « سکریت  
 توردن رابلوای » و « ایلینوا ساترال » و « شیفاغو  
 میلوتی و سن پول » و « شیفاغو و ندرت فرست رن »  
 و « روق السلاه » و اکثر کپانیهای بیشتر بوده -  
 هر چند حصه های شرکت در تحت ضمانت و کفالت  
 دولت نبوده ولی سرمایه اش بعد از آنچه بحصه داران  
 توزیع نموده بود و هفت ملیون لیرای انگریزی زیاد  
 شده است و سندات اسهام او اینک به هشتصد الی  
 هفتصد و پنجاه لیرای انگریزی خرید و فروش میشود  
 و این موفقیت او که تا این پایه بر سرمایه افزوده و این  
 تمت فوقالعاده را بصاحبان اسهام شرکت خود توزیع  
 نموده منبت از وقت معدنیه میباشد

و بعد از این یک کپانی دیگر در همان سال ۱۹۰۰  
 مسیحی چهار و پنج ملیون لیرای انگریزی بحصه داران  
 خود تمت توزیع نموده و کپانیها که بیشتر موفقیت حاصل  
 نموده اند آن کپانیها میباشد که معدنیهای اراضی کالیفورنیا  
 اجزای عملیات نموده اند و در میان آنها کپانی ( فوخلید  
 و تاسلور ) شایان ذکر است که این کپانی بهره صدها خود

که به دست و پنج فرنک یعنی یک لیرای انگریزی  
 فروخته و اینک در دست صاحبان اسهام است از بابت  
 منافع تقریباً نانی یکماهه صد و سی فرنک توزیع نموده  
 و کپانی ( و ه زیلاق آویل ) بهره حصه دولت است  
 پنجاه فرنک و کپانی ( باخفیک فوست آیل ) شصت و پنج  
 ملیون فرنک بصاحبان سرمایه توزیع نموده و کپانی ( هوم  
 آویل ) بهره حصه بیش از بیست و پنج هزار فرنک تمت  
 توزیع نموده و کپانی ( سان فرانسیسکو و پتروله نوم ) صد  
 و سی و پنج ملیون فرنک بحصه داران توزیع کرده و  
 کپانی ( سه لئا آویل ) بحصه های خود که مریدکرا به پنج  
 فرنک فروخته بود شش هزار فرنک تمت بخش نموده و  
 کپانی ( سولست آویل ) که با دو بیست و پنجاه هزار فرنک  
 سرمایه تشکیل یافته در هر روزی هوهزار و پانصد فرنک  
 منافع بر میدارند سندات او که بهفتصد و پنج فرنک  
 فروخته اینک بهزار فرنک خرید و فروش میشود و  
 حصه های کپانی ( لایان لاوره لس آویل ) که یک فرنک  
 فروخته اینک به یکصد و پنج فرنک ترقی نموده و کپانی  
 ( ره آویل ) که هنوز یکساله است سه ملیون و هویست  
 و پنجاه هزار فرنک تمت بحصه داران خود توزیع نموده  
 که این مؤسین کپانی بحق شایان ذکر و ستایشند و  
 اینرا هم بیان نمایم که امروز به سندات کپانیهای [اونیون  
 آویل] و [پاسیفیک آویل] که از شرکتهای قدیمند  
 کسی دست رس ندارد و کپانیهای دیگر که جهت حفر  
 چاه نفت تشکیل یافته و اندکی اهمیت دارند که صدی  
 ده الی چهل تمت توزیع نموده اند سندات آنها نیز از  
 دو بیست به دوهزار و پانصد ترقی نموده در این حال اگر  
 یک معدن نفت تازه کشف شود مسارعت اهالی جهت  
 سرمایه خوابانیدن در آن شرکت مایه شکفت و شایان  
 تعجب نیست ملیونرهاست که در غربی امریکا ساکنند  
 سند حصه های معدن طلای خود را پس داده و وجه  
 خود را گرفته و داخل بهرکتهای معاونت نفت میشوند  
 قنهای اراضی [کالیفورنیا] در تانین تمت و ثروت  
 معادن الماس افریقای جنوبی را بسیار عقب کنارده  
 یک سال پیش از این در ( قرن قوی ) یک آفریقای  
 که عبارت از چهار هزار متر مربع بوده باشد به دوازده  
 فرنک و نیم داد و ستد میشد الیوم از پانزده هزار الی  
 هفتاد و پنجاه هزار فرنک خرید و فروش میشود ترقی

این اراضی تا این پایه بواسطه آن شده که ممکن است روزی صد و پنجاه هزار (چک) از آن بابت اخراج شود حتی بعضی از جایهای این اراضی هر (آفری) از هفتاد و پنج هزار فرانک هم بیشتر ارزش هم رسانده

جبهه آنکه قارتین عمیق در ترقی اراضی (کالیفورنیا سوکندن در) نمایند این معلوماتی را که از رساله (بزوله اوم این کالیفورنیا) استخراج نموده مینکارم یک چند هفته مقدم از (قرن قوتی) یکی از مخبران روزنامه در خصوص قیمت اراضی آنجا که عبارت از چند وجه میباشد چنین نکات از (قافیه) که یکی از آن اشخاص است که در عمل وقت بصیرت و خبرت کامل دارد سوال نمودم از قیمت اراضی پاسخ داد قیمت و سطای اراضی آنجا هر (آفر) صد و پنجاه هزار فرانک تخمین میشود و اگر تخمین شود حاصلات یک معدن نفت بعد از وضع مصارف (۹۰۲۵۰۰) فرانک است پس یک (آفر) زمین قیمتش سه مثل او که (۲۸۳۷۰۰۰) فرانک بوده باشد میباشد با این حساب چهل (آفر) اراضی (۱۰۹۵۰۰۰۰) ارزش داشتند معلوم میشود اراضی معدن گیانی (سه لئاویل) تنها با آنکه هفتاد آفرست جبهه هر حقه سندای خود شش هزار فرانک تخم را تامین نموده است

حق جاهای معدن نفت (قرن قوتی) دو بیست و دو فرانک و پنجاه قدم است و خرج سوند هر قدمی دو فرانک الی دو فرانک و نیم است اما مصارف انشای داخل نیست مصارفی که با تلمبا نفت بیرون آوردن اظنار میشود بسیار جزئی است چونکه تنها یک آدم مقتدرست بمرکت دادن تلمبای ده الی پانزده جبهه نفت و اما قیمت نفت نسبت بجلس اوست و جنس نفت هم تابع اراضی است که جبهه در آنجاست

معدنی که ثقلت اضافی او از سی الی سی و پنج است بهر (چک) او از دوازده فرانک و نیم الی دوازده فرانک و هفتاد سابقیم است و حال آنکه نفتی که ثقلش کمتر است هر (چک) از سه فرانک و ربع الی پنج فرانک میباشد

مقیاس اصغر ثنمات جاهای نفت اگر تدقیق شود همان نفتی است که (چاکلی) دو فرانک و نیم فروش میرسد با اینکه از همه پست ترست باز از او تمنا بسیار بزرگ حاصل شدنی مشهور است - اینرا هم بیان نایم که در

(کالیفورنیا) ابدأ وقت دو فرانک و نیم نیست و هر (چک) (۱۹۰) لیره است با وجود این نصف وقت جبهه مصارف ترک نمود لا اقل سالی صدی سی و پنج تخم برداشته میشود

بلی معلوم است سرزمین زهاب هم که در نظر اولیای دولت و ملت آن چنان خارست که هر یکا که تا طلب نماید بدون تأمل هزارها (آفر) از آن خاکرا به آمان و آفتاب مینماید روزی قدرش بیدار خواهد کردید و قیمتش را خواهند دانست که کار از کار گذشته و تیر از شست بدر رفته باشد

اگر این شرکت امتعه عمومی ایران که با یک میلیون تومان تشکیل یافته در کشف معادن سی مقدرت نماید و یا راه آهن از شاهزاده عبدالعظیم را تا مصومه قم بسازد ظاهراً از شعبه در لندن و مسکو باز کردن و تقلید نمودن از بانکهای اجنبی بهتر و پر منفعت خواهد ولی چه فایده در ایران امروز دانش و خرد و اطلاعات و عقل و علم محل اعتنا نیست دو چیز محل اعتنا و اعتبارست نخست در ظاهر بولندار بخرج رفتن و دوم بیجا و بی شرم بودن - زیرا کسی که ناموس دارد و در او قوه منطقه موجودست ممکن نیست بی ناموسی را کردن نهاده و اقدام بخیانالت در کار دولت و ملت نماید و در کسانی که خرد و هوش هست با آنکه تأمل میدانند که اینگونه تجارتها امروز در ایران خون برادران وطن را میکشدست باید ملت ایران امروز جهد و کوشش نماید از محصولات خاک وطن و از معادن وطن میزان دخل و خرج مملکت را اصلاح نماید بعد از آن در صد قاویک منسوجات برآیند امروز املاک را باید آباء نایم دستگاه عدل و داد را راه انداخته راه آهن را از اهواز تا طهران برسانیم و قطعه قطعه بخوانین و عشایر و اهل دهات طرح شود که راه را هموار نمایند و جبهه مصالح آهن نیز از عموم مردم اطمانه طلب نمایند ولی بشرطیکه همه را از احتلاص تأمین نمایند تا معادن زغال سنگ و نفت بهره بخشیده و مانند سیل پول طلا را داخل ملک ما نمایند (باقی دارد)

داستان روسیا

(از شماره ۲۵)

برخی از کردارهای امپراتور

کارهای نیک که در آغاز پادشاهی از او سرزد



با اینکه سرافراز او نبود از برای فریب مردم بزور  
بر خود همی بست و هر چیز که در اندیشه اش می  
گشت و هوشکارانه هاند بکار میبرد کارهایش بیکدیگر  
نسب نبود برخی نیک و برخی زشت بود چندان نگذشت  
۵ بزبان اقتصاد چون روسیان در نخستین پایه کیش  
دوست و آیین پرست میباشند و کشیگان خود را بسیار  
گرامی میدارند و سخنان آنان را می پذیرند امپراتور  
به درآمد و سود آنان دست زده ماهیانه آنها را کم  
نمود از این رومردم از او دلگیر شدند و از آنجا که  
خود امپراتور از نژاد (آلمان) بود و کیش (لوتران) را  
داشت کشیگان روس به ایندرو آندردویده و میسرودند.  
که امپراتور از برای آنکه دارای سربروگاه روسیه شود  
آیین روسیا را پذیرفته و در پنهان همان کیش خود  
پابندست و سپاهیان هم از آنرو که امپراتور آلمانی  
را که از خاک آلمان آورد و چون از هم سرز و بومان او  
بودند که در جرگ سپاهیان روسیا در آمده بودند آنان  
را گرامی میداشت و آیین لغبری را نیز از روی کرده  
آلمان باید همی بیاموزند و نیزه سالها که به (الیزابت)  
که در پادشاهی او باری کرده بودند و آنان را در جرگ  
نیک نژادان در آورده بود و امپراتور پسند نموده  
و فرمودتکه برجای بزرگان نمودن هر بی مایه را سزاوار  
نیست مگر بزرگ زادگان و نیکو نژادان را و نام نیکو  
نژادی و بزرگی را از ایشان برداشته بود با او دشمن  
بودند و هم پادری پدر خود را از کشورش خوانده  
بر سپاه روسیا سه سالار نمود و فرستادگان نیز  
از آنرو که جز فرستاده انگریز که دوست آلمانست  
دیگران را بسیار کم بسرای پادشاهی میخواست دلگیر  
بودند با آنکه هنوز جنگ با (روسیا) در میان بود  
امپراتور آرزوی نهانی خود را پنهان کردن نتوانست و  
همواره پادشاه روسیا را بنام استاد میستود و در کارهای  
خود با امپراتور روسیا بانکارش نامه کنکاش می نمود  
و هم در اندیشه آن بود که لشکر (به دانمارک) کشیده  
و حلی که (دانپارک) از (هوستین) گرفته پس گرفته و  
بفرمان گذار هوستین واگذارد و نیز اندیشه خود را هم  
په او نوشته بود. چون آن پادشاه مرد هوراندیشی بود  
در پاسخ نکاشت از این آرزو در گذر و چون در  
آرزوی خود پایداری نمود پدر نکاشت اگر خواهست

باشی چنین کاری. نهانی پیش از آنکه بدید کار دست بزنی  
و بدالسوی روان خوبی نخست بسکورتی دستور و  
آیین پادشاهان گذشته در شهر مسکو دینیم پادشاهی  
بر سر بگذار تا پادشاهی تو استوار شود و بکشیشان  
هیچ دست اندازی مکن و آنان را از خود خوشنود  
ساز و هنرنوازش (کترینه) بیچگونه فروگذاری و خود  
داری منبا و فرستادگان و دستوران پادشاهان که در  
پترسبورگ میباشند و بزرگان و کارگذارانی که درباره  
آنان بدکان همی را همراه بردار در پاسخ این اندرزاها  
نکاشت بر من مترسید و آسوده باشید که سالهات مرا بابا  
میخوانند

و از اینکه فرمان ده آنان دیگر زن نمیباشد و  
مردست خوشنودند و همه روزیک و تنها در کوچه های  
(پترسبورگ) در کردمم اگر کسی را اندیشه بدی درباره  
من باشد میتواند بکار برد و اما چون جز خوبی پیشه  
ندارم دلپستی بخدا داشته از کس اندیشناک نیستم. از این  
نکارش او پیداست که تا چه پایه بی باک بوده. پیش  
از آنکه جانمین روسیه شود در ارودی پروسیا هرنگ  
بود همینکه به پایه امپراتوری رسید به پادشاه پروسیا  
نکاشت که اگر بیایه اویغزابد مایه سرفرازی او خواهد  
بود و درین باره چندین بار نکاشته دیوانه وار خواهش  
مند کردهید. و پس از بر آمدن بخت با آنکه هنوز جنگ  
یک سونشده بود بندپسائیک از بروس دستگیر شده  
بودند آزاد و رها نمود که هیچ با آیین فرمانروائی  
درست نبود و برخی از سرکردگان را در سرخوان  
من نهاد و نوازشها مینمود که تا این پایه پرمش و  
پروی از (روسیا) نمودن غایسته پادشاهان نبود. این  
روش مایه ناخوشنودی دیگر پادشاهان و بسیاری از  
بزرگان و درباریان گردیده و در باره او بد میگفتند و  
در باره زن خود هم بیک روش رفتار نمیکرد با آنکه  
خرد و داللی او را از خود پیش میدانست در جشن  
های خسروی و آیینی گاه جامه خسروانی در بر داشت  
نمود و خود جامه سپاهیان در بر میگردد و برخی سر  
کردگان و سپاهیان را نزدنش آورده میگفت اینان  
پاران سپاهی منند و نام و نژاد و پایه آنان را به او  
میشناسند و گاهی هم بدو خشم می آورد بویژه پس از  
آنکه در پادشاهی خود با یکدیگر شد آشکارا به او بد میگفتند

و در تجارتی بسیار که با او بود و او را در آن (کمیته) سر  
تاریک کرده و در سرساز میگردیدند تا آنکه در یک آنجمن بهمان  
اورا دچار فرساری سخت نمود که قلب او زنگزیده  
سرخس از عیده روان شد و اینکار هوا خولها را  
بسیار کمترینه را، که در آن آنجمن بودند بسیار گران آمده  
• و فروش در آورده

• در باری از روش بد و سگوار زشت و رفتار  
ن. که در تجارتی با او خود نموده بود دست بردار نبود  
مانند پیش مردمان هست را گرامی میداشت و بهوشی  
یعنی آغزید و باده پرست بوده و بیشتر روزگار خود را  
با دختر (ورنجوف) فرستاده انگریز و برخی با نوکران  
• همیشه خود که نزدیکان او بشمار می آمدند به باده  
بسیاری میپرداخت. و گاهی در هنگام مستی سازندگان را  
بسیار خود میشناخت و پایه خود را پست مینمود.  
• اما زشتی همواره به سخن روان آمیزش و دوستی نموده  
و مردمان خرد پیشه که بتوانند در آفرزهای نهانی  
با او همراهی و ویرا باری نمایند نزد خود خواسته و  
با آنان خوش رفتاری نموده دور اندیشه گفتگو  
مینمود و گذشته از آن آن نیک رنگ باز فرینده از  
برای آنکه خود را در دیده مردم گرامی دارد همه  
روزه بکایساها رفته و با گروه کشیشان پیش از اندازه  
• خوش رفتاری نموده آنان را گرامی میداشت از اینرو  
در راه نیک نامی خود کوشش میکرد

( باقی دارد )

◀ قانون نامه جدید شرکت اسلامیہ ▶

( عطف بمسابق )

◀ تعیین رؤسا و وکلای بلاد داخله و خارجه و ▶

( تکالیف ایشان بمخلف القاب )

( فصل دهم )

§ (۱۱۴) وکلای بلاد از سال (۱۳۲۰) باید وکالت  
نامه مخصوص با تعیین مدت و حق الزحمه از اداره  
مرکزی اصفهان براهبضای انانی عظام و تصدیق  
رؤس کل داشته که بر تکالیف خود واقف باشند  
و بند (۱۰۵) را از نظر محو فرماید •

§ (۱۱۵) در مرجع که در وکیل یا علاوه تعیین  
عده است در تمام امور اسلامی باید با اطلاع یکدیگر  
اقدام نمایند مگر آنکه مخصوص از اجاره بعضی رجوع

بیک نفر خود که در واقع شرکت اسلامی مختاریت با و  
داده است که با الا خرام آن امور مخصوصه را فیصله  
نماید

§ (۱۱۶) و کلیه که بهر جا از اصفهان رواته می  
نمایند بموجب وکالت نامه مضبوطه مختار جش با  
اسلامیه و ضرر و نقض هم بمسئله اسلامی است مگر  
شرکت مخصوص نداشته باشد

§ (۱۱۷) وکلای خارجه را سفارت صلیه ایران  
حق رسیدگی در امورش دارد با اجازه اداره مرکزی  
اصفهان و هر یک از وکلای خارجه که از سال (۱۳۲۰)  
انتخاب میشوند باید تصدیق نامه از سفارت ایران  
بر درست کاری خود با اسلامی فرستند •

§ (۱۱۸) مشهد مقدس که مرکزیت دارد و  
و کانتخانه اسلامی تشکیل یافته ریاست جنابان تقامت  
نصرت آقا رضا رئیس التجار و آقا محمد تقی ملک التجار  
اصفهان است که الحقی در این مدت از بذل جهد در  
هیچ موردی از موارد اسلامی در جاب منسوجات  
و فروش سهام و ایصال منافع منسوجات دریغ فرموده  
اند لهذا در تمام امورات اسلامی در حدود خراسان  
مختاریت نامه دارند و سایر بلاد خراسان و وکلای  
آن در تحت ریاست ایشان است و در مطالبیکه  
باصفهان دست رس نمیشد بایشان رجوع فرمایند •  
§ (۱۱۹) تسائیکه در خارجه از اسلامی هر گونه  
جنس میطلبند باید مقدمه و جیبی بمرکز رسانند  
فوری فرمایش ایشان انجام و عمل میدود نتمه و چه  
را در سرحد تحویل و تکمیل اداره نموده جنس را  
تصرف مینمایند

◀ (۱۲۰) اسامی وکلای بلاد داخله و خارجه ▶

( بترتیب حروف تہجی )

- § (اسلامبول) جناب آقا میرزا آقا و حاجی محمد  
ابراهیم تاجران اصفهانی •
- § (استراباد) آقا میرزا علیرضای اصفهانی •
- § (بادکوبه) جناب حاجی زین العابدین آقا قلی اوف  
و جناب آقا محمد حسین تاجر یزدی وکیل التجار •
- § (باطوم) جناب آقا محمد مهدی اوف امین التجار •
- § (بروجرد) جناب حاجی میرزا بوالقاسم قهقینه  
و اجوان

§ (بصره) جناب آقا محمد علی و اخوان تاجران  
 و مددتی و حاجی محمد حاجی باعلی بهبهانی •  
 § (بهداد) جناب حاجی میرزا محمد کاظم ناظم التجار  
 اصفهانی و حاجی سید حسین شیر بمحسني اقدی •  
 § (بمشى) جناب آقا محمد مهدى متمدالتجار  
 و آقا میرزا محمد باقر افشار تاجر یزدی •  
 § (بوشهر) جناب آقا سید محمد رضا تاجر کازرونی  
 و آقا محمد حسین تاجر دهنقی •  
 § (تبریز) جناب حاجی میرزا علی اکبر متمدالتجار  
 و حاجی علی قنادی متمدالتجار و برادرانش •  
 § (تفلیس) جناب حاجی محمد باقر رضا اوف و  
 برادران  
 § نمرخان شوره - حاجی ملا عبدالرحیم طالب اوف  
 § (سمرقند و کابلستان و بخارا) جناب حاجی  
 اسدالله ابراهیم اوف تاجر کاشانی مقیم سمرقند •  
 § (خراسان جنابان آقا رضا رئیس التجار و آقا  
 محمد تقی ملک التجار اصفهانی مقیم مشهد •  
 § (دزفول) جناب خواجہ محمد تقی علم تاجر  
 شوشتری •  
 § (رشت و تام کیلانان) جناب حاجی محمد علی  
 امین التجار و جناب حاجی آقا تاجر رشقی •  
 § (ساری و کل مازندار) جناب حاجی نصرالله  
 رئیس التجار اصفهانی مقیم اشرف •  
 § (سلندج و کرهستان) جناب آقا میرزا ابوالقاسم  
 تبریزی وکیل التجار  
 § (سوریه - بیروت - شامات - اسکندریه) حاجی  
 یوسف مقیم بیروت •  
 § (شنگان) آقا میرزا محمد باقر افشار •  
 § [شوشتری] حاجی محمد حسین علم تاجر شوشتری •  
 § [شیراز] جناب آقا میرزا محمد شفیع ملک التجار  
 اصفهانی و حاجی عبد الرحمن شیرازی مدیر کپانی فارس •  
 § [طهران] اداره مقدسه شرکت اسلامیه  
 دایم بقاها •  
 § (عراق) جنابان آقا سید محمد تقی و آقا سید  
 محمد مهدی مهاجرانی  
 § (عشق آباد) آقا مهدی عسکر اوف تاجر یزدی •  
 § (قزوین) جناب حاجی سید ابوالقاسم تاجر اصفهانی

§ قم جناب آقا مهدی عبدالرضا تاجر تبریزی •  
 § (کاشان) حاجی محمد تقی تاجر کاشانی نو آقا  
 میرزا فرج الله قزوینی  
 § (کربلا) جناب حاجی عبدصراف  
 § (کرمان) جناب آقا سید محمد هاشم امین التجار  
 § (کرمانشاهان) جناب حاجی عبدالعظیم اصفهانی •  
 § (کلکته) جناب آقا میرزا عبدالصادق شیرازی  
 § (لندن) حاجی علی اکبر و پسران تاجران  
 شیرازی و حاجی میرزا اسدالله تاجر کاشانی •  
 § (مهره) جناب آقا میرزا ابوالحسن مشیرالتجار  
 بهبهانی و کل عربستان در وکالت ایشان امت •  
 § (مارسیلیا) جناب آقا محمد امین التجار اصفهانی •  
 § (مسکو) جناب آقا میرزا نعمت الله هاشم افه  
 و آقا میرزا عبدالجواد حسن اف تاجران اصفهانی •  
 § (مصر) جناب مستطاب محمدالتجار آقای آقا  
 میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی •  
 § (نابین) جناب آقا میرزا محمد رضا صابک نابین  
 (ناصری) کربلا یوسف متمدالتجار •  
 § (نجف) سرکار شریتمدار آقای آقا شیخ محمد  
 رضا مدظله و حاجی عبود شلاش رئیس التجار و  
 اولاد المحترمین •  
 § (ویانه) جناب آقا محمد باقر حسین اف تاجر اصفهانی •  
 § (هشتدر خان) جناب ملا زین العابدین صفر  
 اوف اردبیلی رئیس التجار و آقا میرزا علی آقا تاجر باشی •  
 § (همدان) آقا محمد صادق اصفهانی حبره جناب  
 ناظم التجار اصفهانی •  
 § (هنکانک) جناب حاجی محمد حسن نمازی تاجر شیرازی •  
 § (یزد) جناب حاجی شیخ محمد مهدی طهرانی  
 و جناب آقا میرزا محمد باقر افشار تاجر یزدی •

مکتوب قصه نما

( شماره ۶ )

§ بعد از عنوان سادۀ اعلی حضرت میگوید، اگر  
 شما فکر کرده اید که من مرده هستم که بفکر  
 پادشاهی ملک فرانسۀ باقم باسکی زحمت بفکر منور  
 خودتان میتوانید بدانید که چه قدر بدمسافت است  
 بین من و تختگاه سلطنت - چرا سکه اموری طینه  
 بعد از تأییدات غیبی با نظم و رواج مضاهفی تماماً مؤتوفه

بطلب مادینت - ومن هیچ رابطه و وسیله بوصول این آرزو ندارم چرا که نه هاتو با قلمه حکم مراست - و نه لفکری آراسته و منتظم - و نه در مقام حسب و عنوان لاسب پایه (کلتی) یا عنوان (دوکی) داشته‌ام که نظر باشخوانهای پوسیده بدراهم خودمرا صاحب اشتقاق بفناسم - پس این عدم جمعیت اسباب مادی و معنوی میتواند بشما ثابت کند که بخیال حال پرو بال نمی فغانم و خود را بدون سبب بمهالک سوق نمیکنم

و اگر در خاطر شما بگذرد که دوستار وزارت یا خاطرخواه صدارتم - محقق خود شما میدانید و قوانین خلفه باسانی میگوید که امروز بواسطه استیلای جهل در عراق امت هیچوجه من نمیتوانم ناموس خود ترا مسئول این عهده بکنم چرا که زاغ باهمه بدی جنبش بر روش کبک دری خنده دارد و حروس با آن پروبال مخصوص برچتر طاؤس طعنه زند - ممکن نیست از برای مردم خام حکومت شخص تمام .... و این مسئله مسلم عام است زیرا که صرف حکمت و قوف در منطقه اعتدالست و ریاست این کونه مردم محقق الزام یکی از دو طرف افراط و تفریط میکند و این کفر حکمت است و شرک مقامات علم و تمتع الوقوع - پس چه وادار کرده است مرا که خودرا در زحمت بیندازم و شدت و نفرت شما را برجان عزیز خودم دعوت کنم - این است که میبینم این طفل که شما فرمان وکالت یا وصایت از قبل او در دست دارید عملاً قریب صورت بلوغ خواهد گرفت و در حدود طلب حقوق محکمه بنام محکمه مسارات قائم خواهد کرد و جناب شما را در آن محکمه جلب و پس از گفتگوی زیاد تعریف ریاست از دوش وصایت شما خلق خواهد شد

پس من که دوست شما هستم بزبان خلیل ساده بهما میگویم که حدت بصر من پیش از قوت چشم عیاست بدلیل اینکه حشمت ظاهری شما بزرگتر از اجلال بحسی من است - و روشنی فکر من بیشتر از نور فراست عیاست و ینمایش تابش آفتابست - و با عنص شما هیچ نوع دشمنی ندارم چرا که بعضی از شما آزاری ندیده‌ام و دوستی علی است چرا

که شما محل اجتماع یک قوه مقدسه ملیه واقع شماید اعوجاج شما اعوجاج ملت و اختلال فیرازه امور جمعیت است

و در حرف عقلا مسلم است و خود شما هم میتوانید بفهمید که این نزاع شخصی و مادی نیست این نزاع نوعی و منویست این تنازع عبارت از مصادمه دو قوه متضاد النفس متحد المخرج است

بالفرض امروز شخص مرا که موسوم به (ولتر) هستم نابود ساختی یا شخص تو که به (لوی) نامزد شده بمرگ نامزد شدی این منارعه تمام نمیشود تا این دو قوه صلح واقع نشود یعنی قوه تجسوز و استبداد متصد بشود که بر حسب قوانین قدریه بشان امروزی جلباب اعتدال پوشد

یعنی اگر شما قبل از اینکه این طفل برحد رفت رسد و در حق شما اقامه دعوی میکند جیتی بعنوان حکم از ارباب علم و اصاف بنشانی و بارای آنها رجوع و حقوق مشروعته او را باو واگذار کنی و در انتظام حالات و رعایت خاطر او بر حسب مساوات صرف مسامی با هم قرعه سعادت و دولت ابدی بنام تو آمده است و هم من از شما ممنون میشوم وقتی در کاغذ جام بهما نوشتم که اگر میخواهید تا ظهور عیسی از آسمان سلطنت در خانواده شما بماند باید متمسک بجره و حق قانون اساسی شوید و از جبل منقسم استبداد کناره جوئید - چرا که باهمان چشمی که مدهد آب را در زیر سنگ می بیند از مدد فیوضات طبیعی می بینم که امروز ضعف این قوم بقسی است که هیچ حکیمی از عهده مسالجه او بیرون نمی آید و چون مضاف الیه این قوه شما هستید محقق مضاف و مضاف الیه هر دو در مخاطره هستند

زمینهای (فرانسه) بلکه شهر (پاریس) بلکه نزدیکه تو صریح تر برای شما بنویسم مارت (ورسای) تبدیل حالت طبیعی خواهد کرد و من بر شما و جوانان نوری خانواده سلطنت افسوس میخورم و بشما با وجدانی صاف و دلی از هرگونه اغراض آزاده نمی میکنم

ولی یقین دارم که وقتی این کاغذ مرا بحضور شما آوردند شما متحمل است بخوانید و قدری قدره

وقت و ذات دويد که اين دهنس بيفرض اين کلمات  
 را شايد براي تهديد کلمه استقامت گفته است نه براي  
 تکليل اسائنات - محارم امرا را پيش خوانده  
 ميفرمايد في الواقع ازين همه که درين ايام پروزميکنند  
 ميتوان هندسه گرفت که اين قوه منحوسه را بايان کار  
 است و هنگام اتمام روزگار و از دست زدن در فصول  
 قانوني موقوف از براي خانواده سلطنت متصور نيست  
 بلکه ملشأ همگونه مادت و خوشبختي است - خوبست  
 همي شاهانه کنيم و اساسي جداگانه نيم که با قلم هاي  
 زرين فصول برجسته تاريخ را مذهب کنيم

دزدان خانكي تا مزاج شما را آماده از براي  
 علاج ديدند در مخالفت ميزند و در خرابي خانواده  
 شما از راه خير خواهي و مصادقت بيرون مي آيند که  
 خير - قبله عالم سلامت باقد هيچ ابرهاي کدورت  
 و پوش خاطر مهر مآثر لوکانه نشود اين کلمات افسانه  
 است و صاحب اين بيانات مردی آواره و ديوانه  
 شما ميفرمايد اين جسارت از يكفرد نيست  
 محتمل است جمیع باشند که از تجاوزات شماها بجان  
 آمده و بواسطه دوستي خانواده سلطنت و حق قدیم  
 پدران من ميفرمايد مرا بر خطوب آتیه انهي کنند  
 و حال آنکه مسلم است در قبول قانون چون دول سازه  
 چيزی کم نکرده ما هم نخواهيم کرد

ميبگويند خير - قربان اثر صرف طلب اين  
 مردم قانون بود سهل مطلبي بود - اگرچه بمضمون  
 حديث شريف (الملك ملهمون) اين هم غلط است رأي  
 پادشاه و فرمان او قانونست (ولي قدرت آسماني را  
 با دقت خودت رفیق کن که از زمان لونی چهاردم تا  
 حال چه قدر اين قوه رفیق تزلزل شده است)

ولي اين مردم جمهوري طلبند و طاري از رسوم  
 ادب ميفرمايد بنای خانواده کهن سلطنت را درهم  
 شکستند و بساطی از نوپن کنند و خانواده جليل را  
 از حقوق سلطنت مشروع محروم شمارند اين قدر اين  
 کلمات را خوش و ابله فرسيان ميبگويند که شما مضطر  
 بانه ميفرمايد چاره - چاره

مرض ميکنند - اول علاج اين است که غدغن  
 آيد خود که ازين قبيل اوراق در حوزه مملکت و  
 روضه نشاطات داخل نشود چرا که اين قبيله اوراق

قد حکم (ديناميت) است يکمرتبه سراي (ورساي)  
 را بلند کرده در رود (سن) ميريزد يا به بحر (باليک)  
 در مرتبه ثاني ما توي قتل اين قبيل اخصاس  
 را از علما ميگيريم که اينها جمهوري طلبند و جمهوري  
 طلب يعني لامذهب و بيدين و بعضي اطفال که نتاج  
 دوشاخ بريشان خودمان هستند نفعان ميدهم و سپري  
 بيوجدهاي ميکنيم که به بيند فلان کس همين که قدری  
 درس فرنگي خوانده است ميگويد زمين ميچرخد و  
 حال آنکه بنده خودم بسمبارك آقا قسم است هر  
 روز صبحی که از خواب برمبخيزم صدای امره گاوي  
 را که زمين بر پشت اوست مي شنوم و بمردم طابه هم  
 که برکلمات ما اعتماد کليه دارند ميگويم که جمهوري  
 يعني خروج از مذهب قانون اگر شد آنوقت شما  
 مالک زنها و بچه ها و دين خودتان نيسيد ديستان  
 از ميان ميرود و عوام را باخود همدست کرده آنوقت  
 اشخاصيکه معروفند ازين جماعت بغيرت و حيت نفی  
 بلد ميکنيم و اشخاصيکه متوسط و مجهول الحال اند  
 در خفيه زمين را از وجودشان پاک ميسازيم

بحقيقت وجود قسم مبخورم که اينها نيسند مگر  
 جماعتي دزد و غاش و جاه دوست و منصب طلب و  
 اسکر بليقي تورا پيش آمد چون قبل از وقت عمل  
 تجمع ثروت خودشانرا بلك هاي لندن قرار داده  
 برانه (ما انا بمصر حکم) زده طريق فرار آيوند  
 ولي امروز هيچ مضايقه ندارند که مزاج شما را  
 بر من متغير دارند و غضب شما را بر من دعوت کنند  
 تا اينکه ناهي مشفق مثل مرا از حوزه مملکت شما  
 دور کنند و تو بفرور فریب اين بيحکشان دنيا طلب  
 را خورده و مرا مجبور ميکنی که اول بياری طفل  
 قلم که مر ساعت خطاب (يا ايها المدثر) ش و نادر است  
 به تمام اطفال نارس از خانواده سلطنت تا کتيرين  
 افراد رعيت بشناسانم که قانون اساسي سلطنتش فيه  
 بسطنت (ادوارد) هتتم و (ويلهلم) ثاني و پادشاهي  
 استبداد ماقبش مثل طاقته امير بخارا و ديگران ....  
 و بعد کتابهاي کوچک بنويسم و بمکتب خانها  
 تقسيم کنم که لفظ جمهور يعني چه - اول مؤسس جمهور  
 بابوالبشر عليه السلام بود و تائيش ابراهيم عليه السلام  
 بنص مجاهدين که موجود است و آخر مروج غم نيا